

هنر و معماری

art and architecture



به نام خدا

چندی بود که فکر ثبت و ضبط مجموعه کامل مجله تخصصی "هنر و معماری" که در فاصله سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸ خورشیدی با تلاش چندی از اساتید هنرمند و معماران فرهنگ دوست تهیه و انتشار یافته بود به ذهن اینجانب رسید، تا بتوان اطلاعات ارزشمندی که پیرامون هنر و معماری سالهای گذشته ایران که در این مجموعه جمع آوری شده است در معرض دید دانشجویان، اساتید، محققین و سازمان های مرتبط با هنر، معماری و شهرسازی کشور قرار گیرد. در ابتدا با مهندس عبدالحمید اشراق گفتگو و اجازه ایشان به عنوان سردبیر مجله گرفته شد. نهایتاً و در ادامه پس از چندین ماه تلاش، مجموعه کامل ۴۸ شماره ای مجله "هنر و معماری"، در بهار سال ۱۳۹۱ تصویر برداری و مستندسازی گردید. امید است تا علاقه مندان از این مجموعه تخصصی و ارزشمند حد اکثر بهره برداری را بنمایند.

در انجام این پروژه افرادی به شرح ذیل دخیل بودند که بدون یاری و مساعدت آنان این فعالیت فرهنگی و تحقیقاتی میسر نمی گشت.

• پرسنل و ریاست محترم کتابخانه ی "مرکز اسناد تخصصی فنی و مهندسی" (وابسته به سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران) که مسئولیت تصویر برداری از مجلات را به عهده داشتند.

• آقای دکتر کمالی، مهندسین مشاور دایره و مهندسین و افرادی که مجموعه آرشیو شخصی مجلات خود را در اختیار اینجانب قرار دادند.

• آقای مهندس نور علیوند که مساعدت و پیگیری ایشان در انجام این مهم بسیار سودمند بود.

• تارنمای پژوهشی "معمارت" که زحمت انتشار این مجلات را برعهده گرفته است.

• و نهایتاً حمایت های فکری و معنوی آقای مهندس عبدالحمید اشراق که در تهیه و ثبت این اسناد، بسیار ارزشمند بوده است.

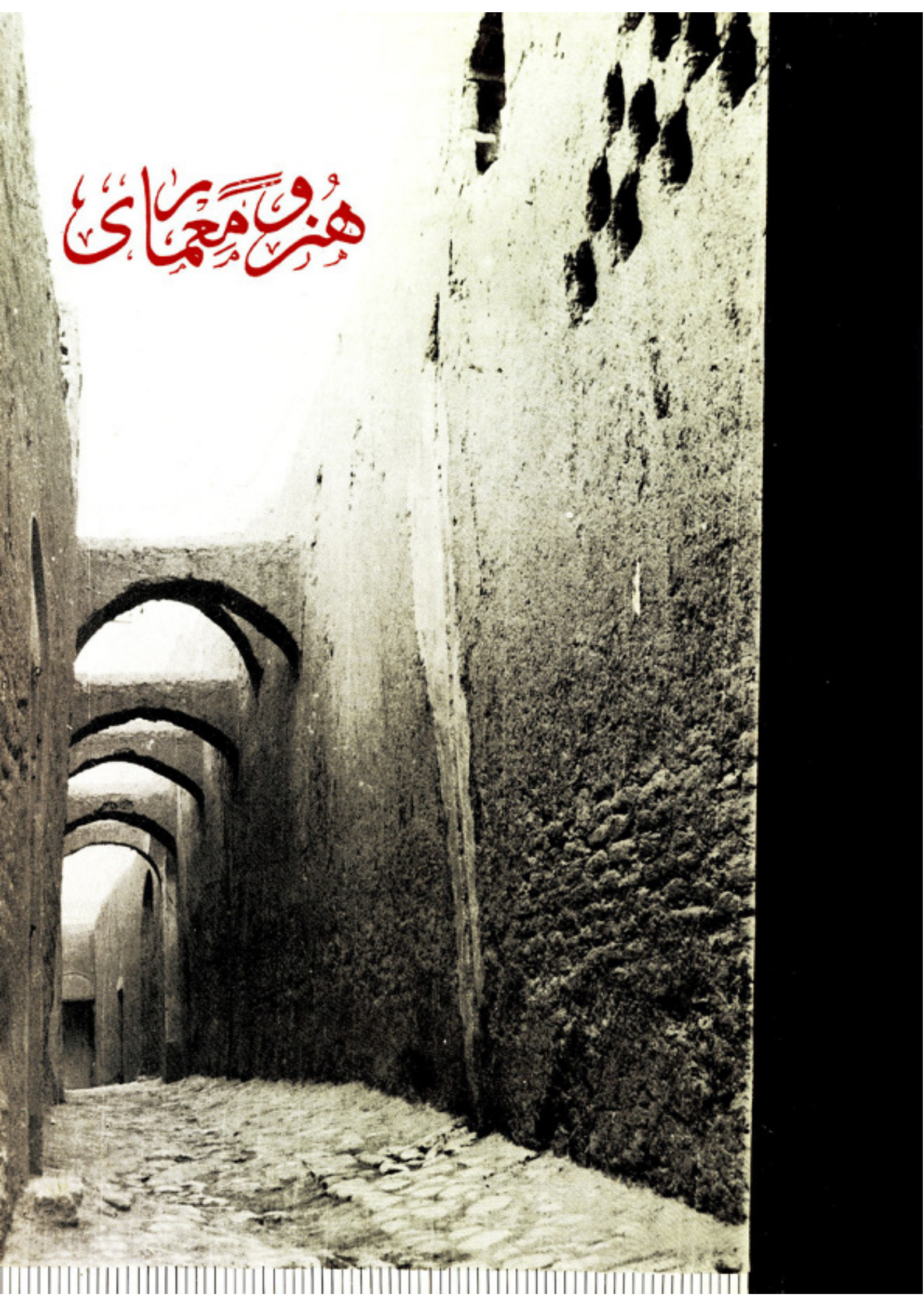
"پروژه تاریخ شفاهی معماری معاصر ایران"

آرش طیب زاده توری

زمستان ۱۳۹۱

E-mail: archoralhistory@gmail.com

هونر و فن معماري



هنر و معماري

دوي چلند كسانان
از كامران رهنگد

هنرمعماری

از انتشارات انجمن آرشیتکتهای ایران

مدیر: عبدالحمید اشراق

همکاران این شماره

محمود ارجمندی	سرپرست بخش معماری
محمدهادی جوادی	متصدی امور اداری
لوتی‌دین	سرپرست بخش فرانسه
حسینقلی ملک‌نصر	متصدی امور فرانسه
حسین نجمی	متصدی روابط عمومی و تبلیغات
مسعود وکیل‌زاده	متصدی روابط بین‌المللی
خسرو آهوری	متصدی تنظیم صفحات

عکسها از: مصطفی‌سهرابی - سیامک رفیعی

آزاد زرین‌نژاد

تک‌شماره ۱۵۰ ریال برای دانشجویان ۱۰۰ ریال

اداره - خیابان ۲۱ آذر شماره ۹۲

تلفن ۴۰۷۲۱ - ۴۰۴۱۶

مقالات عقائد شخصی نویسندگان است.

شماره اول

فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۴۸

چاپ بطریق مسطح در چاپخانه سکه

تلفن ۲۱۲۹۳۴

... و بزین آغاز مکتوبیم . بانام رسیه کما

و بلاه حوشتماس ، مقصد ، عمدت منبر و معنی از خانان رسیده که آرزو شده از شتیق

جهان شد شکر داریم و در این روزگوش ، با هر آنچه که از دستمان بر آید و در قدرمان باشد .

• سوگن لغزیدگان در این روزگار ابدل داریم و خود هوشیار که لغزیدگان را ، با شتاب

و مومن خود هستیم نه به هر آنچه که مریسیم .

• امید کنه در غیر باشد از جنس مریستم که حترنگها بزرگ در این صفت دلدار

در مینو شدنمان به خود شکرهای شیر

بپسیر ز روز و وقت مریستم

در این شماره :

نویسنده

- ۱- سرآغاز
- ۲- انجمن بین‌المللی آرشیتکتها
- ۳- معماری در عصر حاضر م - الف
- ۴- سیری شکفت‌انگیز در معماری اسلامی الیزابت بیزلی
- ۵- آرشیکرام
- ۶- تاثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی‌انسان
- ۷- نگاهی به انواع معماری‌های ابتدائی چیرفت پل سیوادون
- ۸- يك معماری برای میلیاردها انسان آوپیار پتروسیان
- ۹- معماری ایران در دوره سبک ملی و جدید
- ۱۰- شهرهای بزرگ و شهرسازی آینده مهندس وارطان
- ۱۱- طرح جامع اهواز
- ۱۲- نقاشی قدیم ایران اهواز - علی ادیبی
- ۱۳- فضا طلال ندریز
- ۱۴- آرشیتکت و مهندس فنی رینزباتهام
- ۱۵- روش جدید در معماری ایتالیا آندره بلوک
- ۱۶- برنامه صنعتی ساختن ساختمانها ویکتوریو گریگوتی
- ۱۷- گفتگویی با آقای ارزاده دکتر سوگارف
- ۱۸- دنیای پلاستیک
- ۱۹- مسجد کبود تبریز
- ۲۰- زیبایی و هنر
- ۲۱- از معماری تا شهرسازی مهندس مقدم
- ۲۲- گفتگویی با مهندس علی‌زاده
- ۲۳- گفتگویی با کامران دیبا
- ۲۴- مسابقه طرح تئاتر اصفهان
- ۲۵- کاتون مهندسیین فارس
- ۲۶- پروژه دیپلم مهندس علی ناصری
- ۲۷- پروژه بازار میوه و سبزی از مهندس علی نوائی
- ۲۸- پروژه دیپلم مهندس مسعود افرمشتی تهرانی
- ۲۹- طرح نوسازی محله مودلاجان
- ۳۰- طرح دیگری برای نوسازی مودلاجان



UIA

اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها

چندی پیش اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها UIA بیستین سال تأسیس خود را جشن گرفت . اکنون بجاست نظری اجمالی به سازمانهای جهانی معماری قبل از بوجود آمدن آن در سال ۱۹۴۸ بیافکنیم و سپس موقعیت فعلی خود را پس از گذشت بیست سال ارزیابی کنیم .

در این تشریفات فراموش نشدنی ، با آگاهی از ماهوریت خود در دل خالق و مسئولیت خود در مقابل انسان و اجتماع و تقایف ناشی از آن ، با بررسی کلی و جزئی در امکانات متنوع و مختلف حرفه‌ای ، که وارد در انجام فعالیت هایمان است ، مقتضی است که موقعیت خود را از دیدگاهی آن اندازه مسلط بیازماییم که امیر - سیونی حقیقی بدست آوریم و رخصت باییم تا با طرح‌های وسیعی که برای فعالیت های آینده در نظر داریم آشناتر مواجه گردیم . نخستین مجمع جهانی معماری

بوسیله انجمن مرکزی آرشیتکت‌های فرانسه بوجود آمد . آنها درحقیقت در سال ۱۸۶۴ در پاریس تشکیل یک کمیته جهانی معماری را دادند که بعدها نام CPIA یا «کمیته دائمی بین‌المللی آرشیتکتها» را بخود گرفت .

در این سازمان کشور های مختلف هرکدام متناسب با شماره اعضاء انجمن های ملی خودشان نماینده فرستاده بودند . در هر کشوری نماینده ها برای کمیته بین‌المللی انتخاب می‌شدند . اداره مرکزی در پاریس در خانه بزرگی که انجمن مرکزی معماران فرانسه تقدیم کرده بود قرار داشت .

کارهایی که CPIA بعهده گرفته بود عبارت بود از : ترتیب دادن کنگره های جهانی معماری ، بوجود آوردن آئین‌نامه ، آگاهی دادن دولتها از تصمیمات و نظریات این کنگره ها و جلب کردن توجهات نسبت بخود . بودجه فعالیت های CPIA لاحق عضوتهای

اعضاء تامین می‌کرد و اکثر شرکت کننده‌ها برای آن افتخارا کار می‌کردند .

هدف و کارکنگره‌های CPIA بالا بردن وضع حرفه‌ای معماران بود در همه جا و در زمینه وسیع تر بایستی گفت «تبادل جهانی‌بینش و تجربه» .

در طول ۷۵ سال از سال ۱۸۶۴ تا سال ۱۹۳۹ چهارده کنگره جهانی ترتیب داده شد . پانزدهمین کنگره که برای واشنگتن در سپتامبر ۱۹۳۹ در نظر گرفته شده بود بخاطر بروز جنگ جهانی دوم حذف گردید .

در ۱۹۲۸ دوسارازکاستل چند کیلو متری لوزان ، جایی که VIA بیست سال بعد تأسیس یافت گروهی آرشیتکت اوان‌گرید طرح «CIA» یا «کنگره» بین‌المللی معماری مدرن» را ریختند . این جنبش‌قابل تمجید بود . اصولی که عرضه شد و همچنین نوشته شدن منشور آن باعث بوجود آمدن

تعولی شد که بدون شك باندازه تحول آرشیتکتور این عصر قابل توجه است .

در سال ۱۹۳۲ گروهی دیگر از آرشیتکتها در پاریس تشکیل مجمعی دیگر دادند بنام « مینیک جهانی آرشیتکتها RIA به ریاست Auguste Perret بره

و دبیری پیرواگو Pierre Vago در طول سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ RIA چهار ملاقات ترتیب داد .

پس از یکطرف بین RIA و CPIA و از طرفی دیگر بین RIA و CIAM همکاری به میان آمد . باین ترتیب بود که در سالهای قبل از جنگ ، سلطه طلبی در رقابت‌های جهانی معماری سرصفحه و سرمقاله مجلات بود . تا اینکه CPIA یادداشت نامه‌ای مبنی بر بوجود آمدن این وضع ناخوشایند به انجمن هر یک از کشور ها فرستاد . در سوم فوریه ۱۹۳۳ بنا بنظر نماینده انگلستان که در آن موقع سرآنتونی

ادن بود تصمیم گرفته شد تا مؤسسه مطالعات و بررسی را به موسسه جهانی همکاریهای معنوی گمارند. این موسسه هم کمیونی تشکیل داد که در آن CIA و RIA نماینده معرفی شدند. این فعالیتها همانطور که می‌دانیم با بروز جنگ قطع شد لکن پس از آن دوباره ادامه یافت و اکنون تحت توجهات یونسکو توافقی کامل حاصل آمده است.

در ظرف این سه سال مجمع با داشتن مشکلات فراوان ناشی از موقعیت های سیاسی کشور ها، بدون توجه به ترویج تبلیغ سیاسی توانست پنج فراد ملاقات ترتیب دهد. سرانسر تاریخ بیست ساله VIA همواره بیان کننده این مطلب بوده است که آرشیکتها همیشه خود را در مرکز مسائل اجتماعی فرار داده اند معذالك هیچگاه در ایده نولوژیهای حزبی اثر چه خصوصی هم باشد وارد نشده اند. کدام سازمان بین المللی می‌تواند در برنغال ، مسکو، پاریس، لندن و هاوانا ملاقات داشته باشد بدون اینکه هدفش را تم کند و یا پای در راههائی ندارد که دنیا در آن میان راهش را انتخاب می‌کند. مسلما کمتر سازمانی وجود خواهد داشت. در برنو این خواست چیره گشتن بر وقایع و اتفاقات است که VIA تاریخ صبورانه طرح ریزی شده خود را آغاز می‌نماید.

۱۹۴۵ ، درباریسی که هنوز جراحات جنگ را مرهم می‌گذاشت. اگوست پره ، زیرک و بی سروصدا اطرافیا نشی ، گوردن استفن سن انگلیسی ، باردال مونتیرو پرتغالی، ژول گویرت بلژیکی و مؤسس همگی بدستور پیروگو . احسان هیجان و نحرک لکن استفهام . از کجا شروع کنیم؟ تکلیف : کنفرانس سال بعدی در لندن .

۱۹۴۶ لندن ، با ارزش و معتقد به جنبه علمی هر چیز ، گرفتار فقر و بیوند نامه سیاسی . سی کشور اینجا هستند شرق يك لهستانی را نماینده کرده است هرنیوکی Hryniewiecki

بیست سال دوست ما بوده هنوز باد تکره ایم نامش را چگونه تلفظ کنیم همچنین نماینده چکسلواکی را . مذاکرات بی‌گیری که امروزه شخصیت بزرگ اگوست پره و سربارتیک ابرگرومی

Sir Patrick Abercrombie
بعمل آوردند بدون احتیاج به دخاله حکمفرما خواهد شد .

در اطراف مانیا بندگان CIAM در شگفتند . باید بما ملحق شوند یا بازگوش کنندو به زاویه ای بچسبند که آنها را گرد هم آورد؟ نه آنها استقلال خود را که هنوز برای چند سال دیگر قدرت بازی کردن در دل رهبر را بانها می‌دهد حفظ می‌کنند .

در تمام این مباحثات و مناظرات يك فرد خستگی ناپذیر دل آشتی دهنده را بازی می‌کند . او ارنست بورگهارد است Ernst Burekkardt شهرت حرفه‌ای اش و نعمت آشتی دهندگی اش او را يك عضو بیوسته شورا کرده است . اوقرار است ده سال بعد بناگاه مانند دوستانی دیگر از میان ما ناپدید شود .

هفته لندن با دوفرار ملاقات خانه می‌یابد .

بروکسل ۱۹۴۷ جهت مباحثه در قوانین آینده VIA

لوزان ۱۹۴۸ برای تشکیل جلسه ناسیسه و افتتاح اولین کنگره .

دبروکسل عاقبت شوروی نیز حاضر است و همچنین انجمن محترم CIAM

فرار بعدی ژانویه ۱۹۴۷ در پاریس بخاطر تشکیل کمیته موقتی VIA می‌باشد . تمام تجهیزات آماده است لکن ۷۵ سال ترا دیسیون CPRA بسادگی کنار گذاشتن نیست . تردید گوشه‌های سازنده را فلج می‌کند .

با وجود این آشنگی ها ، تمام امور در لوزان آماده گشته بود . آرشیکتها سوسی ترتیب کمیته ناسیسه را داده و از جین شومی Jean Tochumi ففید خواسته بودند که ریاست کمیته را عهده دار گردد همچنین ریاست نخستین کنگره را که به خاطر احتیاط با عنوان زیر تشکیل می‌شد :

پانزدهمین کنگره : بین المللی معماران .

پنجمین ملاقات بین المللی معماری .

سرپرستی ملاقات بعهدده اولیاء امور سوسی بود بخصوص آنها که در کنتون Canson و ود Vaud ولوزان اقامت داشتند .

موضوع برنامه ملاقات «آرشیکت با وظایف تازه ای مواجه است» سخت مورد توجه واقع شد و این فرصت و بهانه ای بود برای خبرنگاران جهت بدست آوردن مقالات متعدد .

این ملاقات علی‌رغم اینهمه جار و جنجال که بها کرد برای کمیته موقتی UIA که مشکلات خود را بسختی برطرف می‌کرد زیاد موفقیت آمیز نبود . سیصد و پنجاه نفر شرکت کننده دعوت شده بودند که در شروع جلسه فقط یکصد و پنجاه نفر آمدند .

در افتتاح نخستین کنگره اجرائی که در يك فایق شناور روی دریاچه جلسه داشت جمعیت زیادی حاضر شده بودند و کوشش می‌شد تا از ورود افراد دعوت نشده جلوگیری بعمل آید . عده زیادی بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند تا سخنان نمایندگان دولتهای سوسی و ود و همچنین ریاست جدید UIA سر پاتریک ابرگرومی را بشنوند. در سالن کنفرانس ترجمه های بی در بی کار را در گرفتن خبرهای مهم برای منشی ها و خبرنگاران آسان کرده بود لکن در این میان افراد غیر صبور را بسیار خشمگین می‌کرد .

برای بیروزی ، قدرت ویلیام دانکل Milliam Dunkel آرامی آرنولد هوشل Arnold Hoechel وتندی و شدت عمل مارسل لانز Maecel Lods لازم می‌بود . با همه اینها تاموقمی که افراد کنگره مجمع را ترک کرده بودند تصمیمات پذیرفته تلقی نشد. چه اهمیت دارد اکنون موفقیت حاصل است بگبار و برای همیشه اکنون که بیست سال از آن تاریخ می‌گذرد UIA می‌تواند با پیوند دادن ۷۵ کشور و متحد نمودن ۱۶ آرشیکت بر خود ببالد . می‌تواند بگذشته بربرکتش با هیجان بتگرد و بطرف آینده اش با اعتماد پیش برود .

با بیست سال تجربه اکنون می‌تواند با جرات و افتخار پیشرفتی حقیقی را ادعا کند . ایده های شخصی مردانی که با صداقت گرد هم آمدند تا اتحادیه ای تشکیل دهند امروز بشکل قانون نوشته شده و به مرحله اجرا در آمده است بخوبی می‌توانیم ببینیم که این بیست سال چگونه آن افکار نخستین

با بیست سال تجربه اکنون می‌تواند با جرات و افتخار پیشرفتی حقیقی را ادعا کند . ایده های شخصی مردانی که با صداقت گرد هم آمدند تا اتحادیه ای تشکیل دهند امروز بشکل قانون نوشته شده و به مرحله اجرا در آمده است بخوبی می‌توانیم ببینیم که این بیست سال چگونه آن افکار نخستین

را فرم داده است . با در نظر گرفتن انواع گرفتاریهای ملیتی رشد غیر منتظره اتحادیه محتوا حتی برای زیرکترین اعضاء اصلی نیز بسختی قابل پیش بینی بود. در زمینه حرفه ای واقعا بی نظیر است توافق کلی میان آرشیکتها در يك پیکر بین المللی که هر نوع حد و مرزی را کاملا از میان برده اکنون به حرفه معماری این فرصت را می‌دهد که در مقیاس جهانی در بسیاری از فعالیتها مقامی بر معنی احراز کند این ما را به دیپلماتیون دیگری می‌آورد بکندنیای وسیع کاملا متفاوت با آن که در بیست سال پیش وجود داشت .

فرهنگ معماران ، تاسیس موسسات حرفه ای با ارزش و صلاحیت دار ، توسعه تکنیک که بتوان در اجرای بسیاری از قسمت های مختلف ساختن تقلیل زمان داد و بوجود آوردن استانداردهای کمکهائی است از UIA

«ما در این بیست سال چند پله اولیه و اصلی را بالا رفته ایم لکن ثابت نمیتوانیم ماند و این خود مسائل متعددی را برابمان مطرح می‌کند . آن موفقیت که در رشد اتحادیه داشتیم شخصیتش را عوض کرده است . مثلا مسئله وسعت ، خود انصاف ملاقاتهای ما را تغییر شکل داده است . این تغییر است که در ملاقاتهای اخیر برای بسیاری از اعضاء کاملا مشهود بوده است. بعلاوه اتحادیه اکنون کاملا بین المللی شده و دیگر تنها کشور های اروپائی نیستند که در آن شرکت می‌کنند . از هر کشوری در هر سطحی نماینده وجود دارد . تمام اینها مستلزم این است که نظری دوباره بنام معطوف داریم . ارزیابی اینکه کجا هستیم و کجا می‌رویم و مهمتر از همه محک سنجش ما برای حقیقت چیست و نقطه مقابل صلاحیتی که در عمل بان امید داریم کدام است» .

هر کدام از این روزها شاهد رشد قدرتی است که زاده تکنیک، ماشین و افزوده گشتن وظایف نسل های آینده است . مرتب و متعادل کردن آنها تعیین حدود و حیثه کیفیت آنها وظیفه آرشیکتور خواهد بود .

«این برماست که بر این مسئله بیاندیشیم تا ماهیت واقعی فردا حقیقی و زنده باشد» .

زمانیکه در برابر يك بناى تاريخى كه ميراث فرهنگى گذشتگان است فرار ميگيريم دل از كف داده بيه كتان لب به نحسين ميگشاييم !

اين تشويق و تکریم ها چیست بكنوع تصديق كوركورانه است با احترام به آبا و اجداديا پادآوري خاطره‌اي از گذشته باشكوه ؟ شايد هم گردزمان با ايجاد يك هماهنگي مناسب آنها را چنين زيبا جلوه گر ساخته يا در تمام اين بناها خاصيت مشتركى است كه موجب هماهنگي بين آنان گرديده است ؟ بچستجو برائيم نا بدانيم اين عامل مشترك چیست . تسلسل زندگى در دوره هاى مختلف و حرکت كند جوامع ، فرار گرفتن فرد تحت تاثير جمع و جمع خود مابين احساسات اجتماع ، بدينگونه بود كه مجموعه‌اي هماهنگ و در رابطه با زندگى مردم بوجود آمد و طي قرن‌ها تكامل يافت. با شروع فصل نو در زندگى و پيدايش فلسفه هاى جديد اين وضع دگرگون شد .

از اوائل قرن نوزدهم و پيدايش مكاتب مختلف فلسفى و فعاليت اوتوپيست ها ظاهرا قرن سر - گذشتكى انسان آغاز شد . اوتوپيست ها ميخواستند زندگى را در چهار چوب اوتوپى ها وايد الهائى خود محدود كنند . ولى اين تلاش هاى خياليافانه به ناکامى و شكست انجاميد .

بكنوع نيهاليزم حاد دامنگير جامعه شد . تا چايكه نوبسته‌اي مانند داستايفسكى در داستان رويى يك انسان مسخره زندگى را به سرايى روي مانند شبیه کرده وميگويد بهممانگونه كه ما در روي وجود اطرافيان و جامعه خود را لمس ميكنيم، وبا بيدار شدن كلييه وجود هاى خلق شده در روي مانند سرايى محو ميگردد ، شايد زندگى ما نيز رويانى طولانى باشد كه پس از بيدارى تمام مظاهر مادي اطراف ما بهممانگونه كه در روي نابود ميگردد محو شود . در اين بين تفاوت عمده است بين انسان امروز كه با فرهنگى بيشتري ميخواهد سازنده زندگى جديدي براي خود باشد تا انسان گذشته اي كه زندگى ميگرد نا زنده باشد و كمتر خود را در مقابل اين سؤال قرار ميداد كه چرا زنده است ؟

و نتيجه جوابهاى مختلف باين سؤال است كه هر دو ز موجى از جنبش هاى نوبچشم ميخورد ، بدین ترتيب هر آنچه باگذشت در رابطه بود باديده شك و ترديد نگريسته شد و زندگى بر اساس روابط جديدي قرار گرفت .

بنیان های هنری از ریشه دگرگون شد . اگر در گذشته هنر در خدمت ايمان مذهبي و با اجتماعى قرارداد داشت در اين قرن اصولا بحث هنر براي هنر يا هنر براي اجتماع دگر گرفت . روابط قديمي و كهنه‌اي كه بر بيايه آنها هنر تحت تاثير طبيعت قرار ميگرفت امروزه دگرگون گشته است . وظيفه تقليد صرف از طبيعت حتى از دوربين عكاسى هم سلب شده است . هنرمند با طبيعت بمبارزه برخاسته و آن را در كار خود دگرگون ميسازد بقلول آندره زيد «طبيعت براي هنرمند مانند هواست براي كيوتر كه در حين پرواز با هوا مبارزه کرده و در عين حال بالهاي او را تكيه‌گامى جزء هوانيسن» هنرمند امروز در عين حاليكه طبيعت را دگرگون کرده و با آن مبارزه مينمايد ، منبع الهامى جز طبيعت

معماری در عصر حاضر

علیرغم این تعبیرها ، پدیده های جدید در اثر موقعیت اقتصادى خاص اين قرن و نوجوانى نسل جوان خود را بزندگى تحميل كرد . احمقانه است اثر امروز به مبارزه با اين تحولات برخيزيم و كوشش كنيم كه آنها را از زندگى خود طرد كنيم امروزه ما مجبوريم از پدیده‌هاى جديد استفاده كنيم در غير اين صورت هر كوششى مسلما به شكست خواهد گرنايد .

معنى هنر در اين نيست كه در لاله گذشته فرو رويم و جهاني را كه دران زندگى ميكنيم ندیده بگيريم . براي رسيدن به پيروزي تنها خدمتكار زيبائى بودن كافي نيست چون هنوز بحث است كه زيبائى در چیست .

اگرچنين شرايطى هنرمند بايد سر دسته مخالفان شمرده شود . در اين شرايط هنرمند با نزوا و اخراج تهديد ميشود برعكس به هنران بيگذرگ صله عطا ميكنند با آنكه هنرا به ننگ مي‌آيانند علتهاى حقيقي وضع موجود شناخته نشده است . توضيحات شتابزده هم در اين راه كمكي نمي‌دهند چرا كه حتى از روشن كردن علت هاى دست دوم نيز ناتوانند . در صورت قضاوت هم ممكن است نزديكى بلا ديدمان را مفشوش كند .

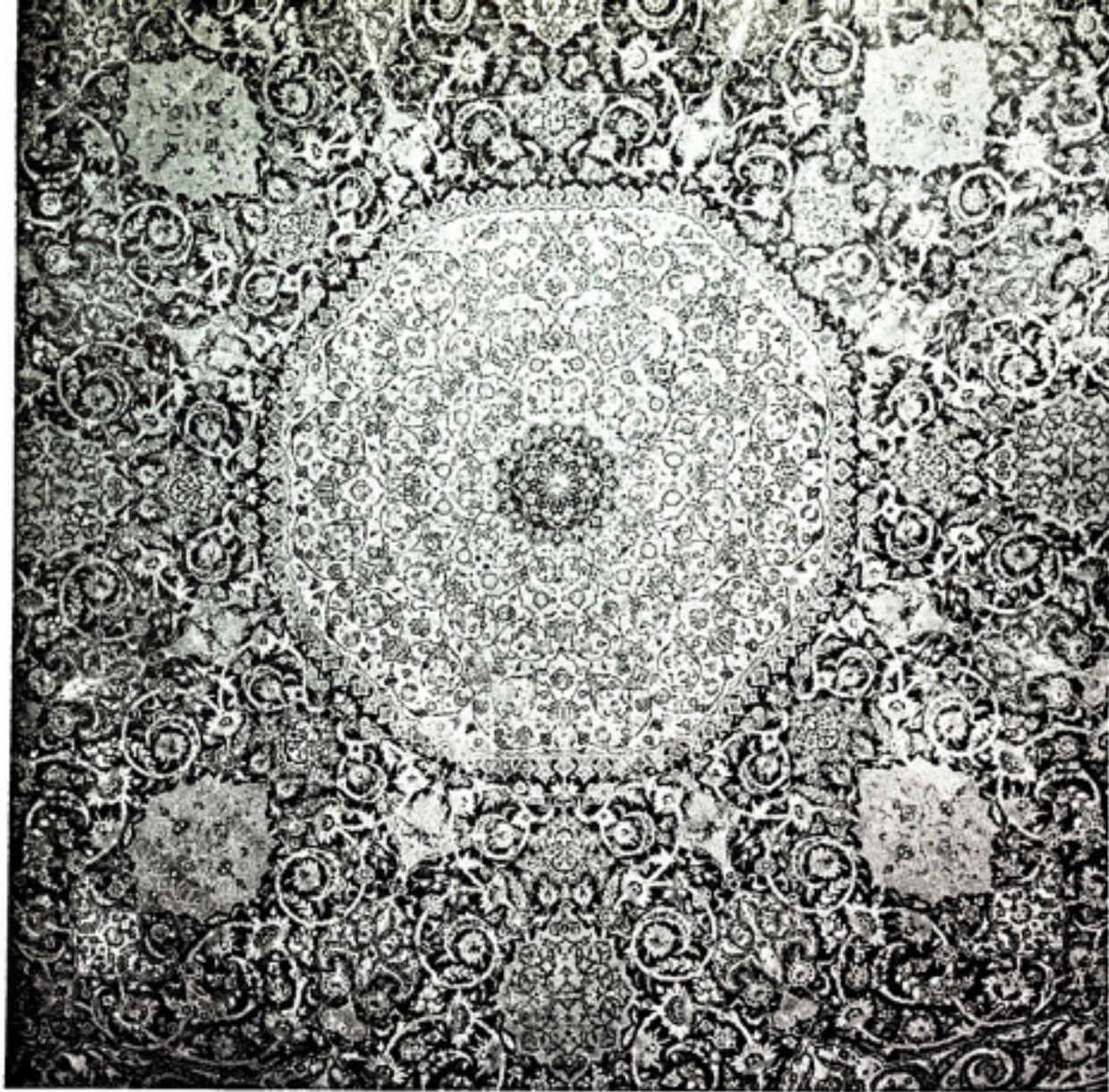
مسلما در برنو مراحل در ترتر آمده خواهيم توانست دوران خودمان را با كليشيه بشناسيم . با در نظر گرفتن چنين شرايطى معماری نمي‌تواند خود را از جامعه و طبيعت دور پنداشته و راهى جدا از آنها طي كند .

ندارد و تنها منبع الهام مشترك بين هنرمند ديروز و امروز همان طبيعت است . با توجه به اينكه برداشته‌اي اين دو نسل از طبيعت دو برداشت متضاد است ، يكي در توافق و ديگري در مبارزه با آن .

ويدين نحو معيار هاى سنجش عوضى شد . «هنرمند در اين قرن شاهدهى بيطرف نيست بلكه خود داوري است ازاد از هرگونه قيد و بند» . «اين تعويضى و بدور ريختن معيار هاى گذشته خود نقطه ختامى بنظر نمي‌آيد . بلكه چون مرحله‌اي است از يك دگرگوني معنوي بنحوي كه نهنه‌اي نتواند فرهنگ را در جريان تاريخ مفلوب كند بلكه خود را نيز در نفس هستى خویش به چنين عاقبتى دچار سازد» .

در چنين شرايطى پدیده های جدیدی که در زندگى خودتماني ميکند هيچ رابطه ذهنى با مردم ندارد . مبارزات شديد براي قبول و يارد اين پدیده ها در ميگيرد تا آنجا كه چارلى چاپلين در فيلم عصر ماشين اين پدیده ها را بياد استهزا ميگيرد و راه چاره را در بدور ريختن آنها ميداند و بدین نحو مشكلات صنايع ماشيني و دستى بوجود آمده . اثر اين مبارزه در طرز فكر مردم و رابطه آنها با يكديگر دو طرز فكر بوجود مي‌آورد ميني بر رد و با قبول ماشين .

امروزه نظريه كسانى كه ميگفتند «صنايع ماشيني اجتماع را بطرف بربريت غير مستقيم مي‌كشاند و اين عوامل زمينه هاى معنوي را خورد ميکند و در نتيجه تضادم بين انسانها بوجود مي‌آيد» به همچوجه قابل قبول نيست (نظريات موريس دراسكين) .



سیری شگفت‌انگیز در معماری اسلامی

آنستکه معماری عظیمی را که بنظر عاری از اصول است آنرا امری بدیهی و مسلم بدانیم .

همانند آنکه در ساختمان انگلیسی که ممکن است بصورت گوتیک یا طرح دوره رنسانس یا معاصر باشد آنچه بدیهی و مسلم است که در مقابل نظر قرار گیرد و برای ناظر موقعی قابل رویت میشود که در ترکیب و صورت ساختمان ملحوظ شود اما در ایران چنین امری ضرور نیست چنانکه اگر گاهی از حیاط برخی از مساجد بزرگ به بالانظری بیاندازیم منظره‌ای را خواهیم دید که خود دنیای جداگانه که بر فراز نماهای کاشی‌کاری ایجاد شده است و علاوه بر این ما انتظار تغییرات حاد در مقیاس و ابعاد را نداریم

در این یادداشتها طرح‌هایی از ساختمان‌های فی‌المثل شهر اسفهان (طرح‌هایی که در شهرهای دیگر یکسانند) تهیه شده است که نه فقط عظمت آن خیره‌کننده است ، بلکه این طرحها برخی از قضاوت‌های اساسی بین معماران اسلامی ، معماران اروپائی همان عصر و معماران عصر حاضر ما را توجیه می‌کنند .

آرامش و سکوت حاصل از سنت قرون این اعتقاد را بوجود آورده است که بعضی از قوانین و اصول کاملاً پذیرفته شده‌اند و حتی تغییرات حاصل از نهضت مدرن هم نتوانسته است در آن قوانین دگرگونی پدید آورد . آنچه که بسیار همچنان انگیز بنظر میرسد

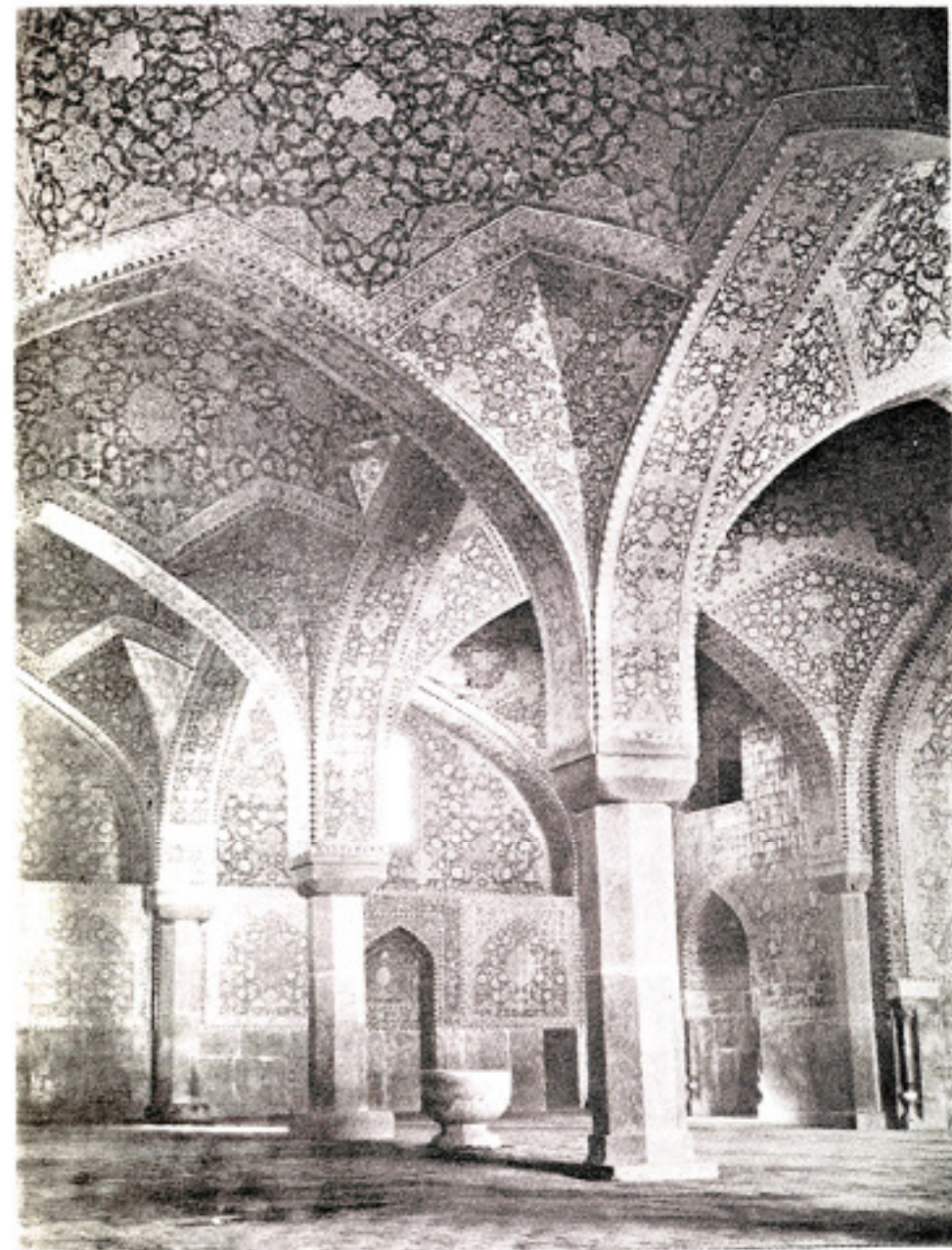
شگفتی هنر سفال‌سازی در معماری ایرانی و اسلامی یادآور آنستکه گرچه کار فراوانی در ترمین و سالمه نبشته متمرکز شده است با اینهمه به نسبت اهمیت درباره اسلوب ساختمانی کمتر نوشته‌اند (باستثنای اثر مشهور آرتور پوپ) .

در این مقاله ادعای تحقیق و تتبع به چشم نمی‌خورد بلکه تنها یادداشت‌هایی از برخی مشخصات برجسته است که در معماری ساختمانهای اسلامی بنظر میرسد و این مختصات در تیب‌های متنوع و در دوره مهمی مشترک است که بویژه برای اروپائیان امروزه عجیب می‌نماید و این تاثرات شبیه هیجاناتی خواهد بود که برای مسافران قرن هفدهم بوجود می‌آید .

این حیرت و بهت نه فقط برای سادگی ظاهر و فقدان تزیینات دیوارهای بزرگ آجری که بر فراز منتهی‌الیه گذرگاه طاقدار کاشی کاری افراشته شده‌اند حاصل میشود (دیوارها ممکن است ناتمام باشند)

بلکه از جهت بی‌توجهی شایانی است که نسبت با آنچه که در سطح پائین قرار گرفته می‌ذول گردیده وقتی کسی اطراف این ساختمان مجلل طواف می‌کند مگر حس نظر کاری بداخل جناحین پشت طاق

مسجد شاه اصفهان



بالای صحنه القسا می‌شود و در آنجا بجای دیوار از تیرک‌ها (شمع) ست و بی‌نیاه با معماری مواجه میشود که اگر شکوه و عظمت پیش صحنه را نداشته باشد با این وصف باندازه همان پیش صحنه همچنان انگیز است.

میسازند چنین منظره‌ای از پشت‌بام‌ها تا حدی ناآشنا بنظر می‌آیند ولی باید منتظر بود چون حیرت و بهت حقیقی در شرف وقوع است.

در داخل شبستان شکوه‌انگیز و مناسب مسجد از سادگی و درخشش نور این‌رنگ حاصل از راهروهای گنبدی که فقط شکستگی آن در کناره ایوانهای بزرگ است که در چهار گوشه محل واقعه احساس عمیقی حاصل میشود.

اما تکان دیگر که کاملاً متباین است از پشت مدخل سردر بزرگ عقبی بین مناره

ولی این تغییرات ممکن است بر حسب اتفاق بین دو ساختمان مجاور رخ دهد (گاهی بر حسب مد روز الحاقاتی بچشم می‌خورد ولی معمولاً این تغییر ناگهانی در یک ساختمان کمتر مورد قبول واقع میشود) و بدانشجویان رشته معماری در قبال این امر اختصار لازم داده شده است ولی در ساختمان هائی که بدستور شاه عباس ایجاد شده‌اند یک تغییر بدون تامل و تفکر عاملی خواهد بود که حساب مقاومت ناپذیری را بر حسب موقعیت برمی‌انگیزاند انحراف و پیراهنگی طرح خود کلبه دیگری برای توفیق در ایجاد دوامی خواهد بود در یک معبدسبک کلاسیک یا یک کلیسای قرون وسطی، مدخل اصلی معمولاً محوری و کانون‌نهاروی محراب قرار می‌گیرند.

در بعضی از بزرگترین بناهای مذهبی در ایران تغییرات سریع و ناگهانی درست و جهت یا مدخلهای چرخشی غیر منتظره (این مدخلها معمولاً رو قبله (مکه) هستند و مدخل ویژه مسجد بشمار می‌آید) بدون هیاهو پذیرفته شده‌اند و در ضمن سهمزایی در تأثیرات نمایشی دارند و آنچه در وهله اول تدبیر و طرح شکفت انگیزی تصور میشد بصورت نتیجه روش درخشانی از طرح نمایش سودمندی درآمده است.

روش طراحی یا طریقی که نگرستن به بنائی را روا می‌دارد تا مشاهده الحاقی تند و سریع معماری آذین شده بسیار دلفریبی را فراهم سازد و در حالیکه این امر هیچگونه وابستگی و توافق با اصول زیبایی ندارد و بصورت اثری برجسته بدون آرایش دارای صور ساختمانی عملی تشریح می‌گردد.

ناظر هنگام تماشای یک ساختمان از نزدیک از ارزیابی ساختمان دیگری متحیر می‌ماند بنابراین چنین می‌نماید که برای تماشای کامل یک ساختمان بایستی فاصله نسبتاً دور یا زاویه خاصی را انتخاب نمود. مسجد شاه که بدستور شاه عباس بنا شده است در انتهای میدان (بزرگترین میدان اصفهان) قرار دارد و این مسجد دارای این قبیل فواصل رویت میباشد.

منظره مسجد از تالار عالی‌قاپو از این تالار پماینهائی را که اجرا میشده تماشا می‌کردند.

این دیدگاه را برای یک فرد خارجی نمایانگر شکفت انگیزترین منظره مربوط بفن معماری بشمار می‌رود. زیرا نمای معماری آنچه از بناها کاشی کاری شده بشکل عجیب و بدیع بنظر می‌آید هنر تزیین و ریزه کاری بزرگترین گنبد کاشی کاری شده که خود در زمینه صورت‌هائی از طاقها و گنبد هائی که از خشت‌های ساده درست شده است قرار می‌گیرد و در پشت بناهای اصلی سادگی خشن این بناهای آجری تضاد خود را نمایان

است که غفلتاً بها وارد میشود. وضع و صورت ناآگاهانه این اثر ایجاد چنان تأثیری می‌نماید که کار قرن بیستم در مقایسه با آن کاملاً بی‌روح است.

محل داخلی کناره شبستان نیز حیرت و شکفتی‌های زایدالوصفی را ایجاد می‌کند



مسجد شاه اصفهان

چنین غرایبی برای اروپائیان در بدوام بدون آنکه از ارزش عظمت بنا بکاهد برای آنها سرورآمیز ولذت بخش خواهد بود . پس از يك يا دو هفته اين تضاد شديد حساسيت خود را از دست ميدهد و انسان ناخودآگاه موافقت خود را با علاقه غير محسوس ابراز ميدهد و چنانکه معلوم شده است آب و هوای اقليمي در پذيرش چنين امری نقش حساسی را بازی می کند .

در پشته فلات ، ايران که استثنايآ در تمام سال روشنائي شديد و درخشندگي زياد است چشمها (بجز چشمان مشتاق تماشاگران) در چنين مكاني در پهنه يك دست آسمان خيره كننده سرگردان نمي شود و همچنين در مقابل ساختمانهاي مرتفع محله هاي فشرده كه در آن بر آسمان سر برداشته اند بيقرار نمي شود و اين امر بويژه درباره ديوارهاي ازخشتها كه منعكس كننده نور كم رنگي است نيز محسوس است نگاه كردن ديوار هاي تحناني بخصوص اگر اين ديوار ها داراي رنگ جاذب همانند كاشي هاي آبي باشد و حسي اگر اين ديوار در سايه هاي عميق طاقنها شكسته به نظر آيند در هر حال نظر دوختن به آنها بسيار سهل و راحت است چشمها براي ديدن و آگاه كردن سطوح تحناني بزير كشيده ميشوند و زماني چشمها ببالا كشيده ميشوند كه كاشي كارهاي روبروي ايوانها و همچنين كاشي كارهاي روي مناره ها و گنبد هاي اصيل مورد تماشا قرار گيرد و چنان بنظر ميرسد كه گوئي كاشي كارها جاده براي عبور چشمها تبليه كرده اند تا آثار اعجاب انگيز را به پيمايد .

مسجد ها از لحاظ طرح و نقشه هم حالت نمايشي غير منتظره اي پديد مي آورد و اين حالت نوعي بهت نيست بلكه ناشي از راه حل هائي است كه براي مشكلات مربوط به گردش دوران يافته اند و از طرف ديگر تراكم بازار ها و كوچه هاي حقير كه از گل فرش شده اند و بلافاصله بعد از مدخل ظاهر ميشوند كه خود تضاد تاثير انگيزي ارائه ميدهند .

در سردر بزرگ مسجد شاه كه با دقت خاصي ناظر به پائين ميدان است هيچ اثری از تعبير ناگهاني محور ها كه بلافاصله در پشت سحنه قرار مي گيرند بچشم نمي خورد . تقارن آرامش بخش سردر بوضوح بسيار مناسب جلوه گري مي كند و مسير مندخل گذرگاه آن از ميان درگاهي کوتاه كه از زير طاقبي هاي مرتفع است عبور مي كند و ناگهان متوقف مي شود . (طرح راملا حظه فرمايد)

شرح طرح ميدان شاه اصفهان

۱- مسجد شاه ۲- مسجد شيخ لطف الله ۳- عالي قاپو ۴- ميدان (درازا ۵۰۰ متر)

۵- بازار و محراب كه برروي ديوار قبله قرار گرفته كه بطرف مكه جهت يابي شده است (جنوب - غربي)

كانونها بر محوري كه با زاويه ۴۵ درجه چرخي دهليز قرار گرفته بوسيله تختگاهي كه از طاق راس مي گذرد مسدود مي شود و بلافاصله در زمينه مقدم كاسه سنگي پرشكوهي قرار گرفته ، كه براي جلب توجه و توجه غلام گردش است .

شخصي كه وارد مسجد ميشود به نسبت راهرو هاي باريكي (ديوار ها كشيده نشده بلكه داراي ستونهاي حامل طاقهاست) بايد بسمت راست يا چپ به پيچد . حالا عبادت كنندگان رو بقبله ديوار محراب و همچنين رو بلكه قرار گرفته اند .

اين ارتباطي جغرافيايي با شهر مقدس است (در جنوب غربي و محور شمال جنوبي ميدان كه معمار آنرا بصورتي درآورده كه بيگانگان را قبل از اينكه وارد حياط بزرگ شوند بوضعي خاص مبهوت و ترس آميخته باحترامي در آنها پديد مي آورد .

اين اثر مقاومت ناپذير آني است ولي بوجه بي نظيري شكوهمند است در شمال اروپا جايگه اختلاف بين سايه و روشنائي زياد نيست در روشنائي ملايم حس جهت يابي

لازم است و اگر كسي تحت تاثير قرار گيرد و اگر جمعيت مجبور بحركت آرام كه در آن هنگام افراد راه خود را پيدا مي كنند و گرته حس جهت يابي را از دست داده و راهش را گم مي كند .

ولي در اين مسجد تاثير درخشان ميدان و حياط آفتابي قسمت عقب پوستگي مداومي با سايه منخل دارند (روبروي شمال) بدين گونه فرد خارجي بداخل كشيده ميشود و همانند پروانه اي كه بسوي نور كشيده ميشود به ناچار در آن سمت مي پيچد بجاي يك لحظه ترديد فريخته و ملسم ميشود .

يعني در اثر ژرفاي درخشان حياط و ايوان محل مقدس فريخته ميشوند .

حس اعجاب كاملا متفاوتي در مسجد زيباي شيخ لطفاله كه در قسمت شرق ميدان قرار گرفته است در انسان برانگيخته ميشود دوباره چشم كنجكاو از زمانيكه گنبد معلق بيرون از مركز منخل سر در را مي بيند و چيز غير منتظره اي را كه در حال تكوين است تميز مي دهد و اين براي او شبيه چيزي است كه در عكس هائي كه از سطح بالا برداشته باشند مشاهده ميشود . دوباره محور شمال جنوبي ميدان و موضع

مکه باستانی تجلیل نشود خود مدخل در زاویه داخلی معبر عرض قرار گرفته است و در حالیکه راه دیگری برای جهت گیری وجود ندارد و با وجودیکه هیچگونه علامتی برای مدخل اطاق گنبد وجود ندارد و معمیری با پیچ راست گوشه در جائیکه چیزی قابل رویت نیست وجود دارد بمحض رسیدن بگوشه امیدی برای دیدار مدخل سوسو میزند ولی مدخلی وجود ندارد . در منتهی‌الیه مکان در محکم بسته‌ای قرار دارد و با جزئی تغییر در نور امکان وجود مدخلی در دیوار به یقین مبدل میشود منفذ نا آشکاری بدیوار برشی میدهد که ضخامت اصلی آن در حدود ۸ پا و ۲ اینچ میباشد .

غفلتا بجائی میرسید که در آن بالا شاید زیباترین گنبد در تمام معماری های اسلام معلق و شناور است محراب مقابل در داخل دیوار چندپائی از مدخل دری که بطرف میدان باز میشود فاصله دارد و خارج آن محلی است که طواف زائرین از آنجا آغاز می‌گردد .

بالاخره در آنجا شیوه تغییرات مقیاس ها نمایان است .

این امر ممکن است در ضخامت دیوار ، در عظمت ضخامت داخلی دیوار حادث شود که آنرا پذیرا میسازد .

سنت راهروی کوتاه مقیاسی است که نه فقط در خانه های شخصی اجرا می‌گردد بلکه در ساختمانهای کاخهای شاه هم ملحوظ شده است .

فی‌المثل کلاه فرنگی چهل ستون یعنی ستونهای مشهور تالار که بدون انحراف حامل سقف است در حدود ۴۸ پا در بالای آجر فرش قرار گرفته‌اند .

این مقیاس بیش از اندازه درخت‌تیزی است .

در مجاورت سالن مجتعبین درهائی است که فقط ۶ پا و ۷ اینچ عرض و ۶ پا و ۹ اینچ ارتفاع دارد و درها بسال نیز می‌شوند که بمقیاس ۳۹×۳۶×۷۲ پا میباشد .

حجره های کناری بسیار فرح انگیزند و راهروی طاقدار در اطراف دیوار ها کشیده شده‌اند که در سطح راست در فوقانی به مقیاسی قرار می‌گیرند که چیزی بیشتر از يك خانه شخصی ندارند در حالیکه سقف گنبدی بالای آن احساس فضا و هوای لازم را در اقلیمی داغ فراهم میسازد .

دگرگونی ناگهانی مقیاس و اندازه در دیگر کلاه فرنگی های شاهی استنهای بیستم می‌خورد فی‌المثل در عالی‌قاپو محلیکه اطاق های کرسی بلند آن بشکل اعجاب انگیزی کوچک بنظر میرسند .

دوباره تمایل ایرانی به آلاچیق و طاقچه

مسجد شیخ لطف‌اله (اصفهان)

ها چنان بهم می‌پیوندند و در حالیکه بصورت راهروی طاقدار درآمده‌اند که بلافاصله ایجاد آنچنان احساسی بوجود می‌آید که مقیاس معمولی ما مقایسه تالار تحتانی کوچک بنظر میرسد .

شاید هلالی‌ترین اندازه از چشم انداز فلات (پشته) این چنین تغییر ناگهانی را برای ایرانیها باقی گذاشته است که بان‌عادت کنند .

دیدار میل ها خالی از کوهها و عبور از آن و ورود بقریه دیوار کشیده از طریق مدخلی در ورودی خود يك منظره عمومی

ومشترك است .

بلافاصله مقیاس از وسعت عام سطح خاص و محدود و فردی جهش پیدا می‌کند . در انگلستان ما بمقیاسات دست بشری یعنی مزارع نمونه‌ای عادت کرده‌ایم که با مقیاسات قریه‌ای که از مجموع خانه های کوچک میباشد خیلی کم تفاوت دارد .

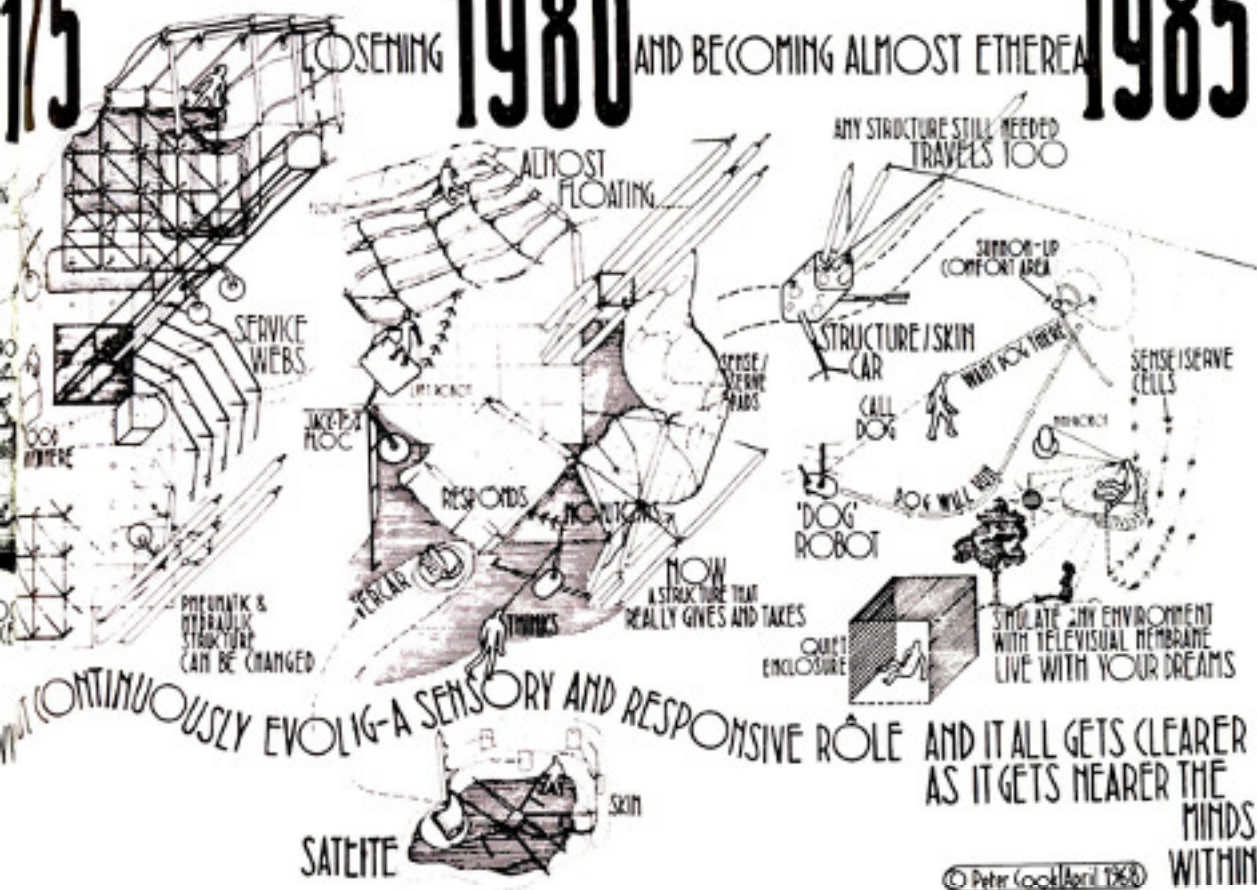
شاید این دگرگونی های ناگهانی مربوط به تنوع فلات (پشته) باشد که چهارچوب فکری را ایجاد کرده است که در آن تغییرات مقیاسات طبیعتا قابل قبول می‌شود .

نوشته الهزابت بیزلی



ARCHIGRAM

آرشیگرام



Peter Cook April 1980

WITHIN

سایر لوازم صنعتی روز مره طوری تعقیب شود که بتواند به مرحله‌ای از معماری جدید برسد.

قابلیت تغییر

در زندگی روزمره، ناخودآگاه وسایل مصرف را از بین می‌بریم پس از تهیه و بدست آوردن فوطی های غذا، لباس های کافه‌ای، انواع فلم‌های خودکار، و چیز های دیگر، بلافاصله آنها را دور می‌اندازیم. حتی لوازمی که مهم‌ترند (مانند اتومبیل و گاز) و در طرح‌شان کهنگی و پوسیدگی هم دیده نمی‌شود، به همین سرنوشت دچار بوده پیوسته تغییر می‌یابند و نسل تازه‌ای جانشین آنها می‌شود. امروزه تجهیزات کافه‌ای بناها، بصورت مد روز درآمده و در شهرهای مختلف بکار می‌رود. برای نمونه، در بیمارستان های کشور انگلستان، از

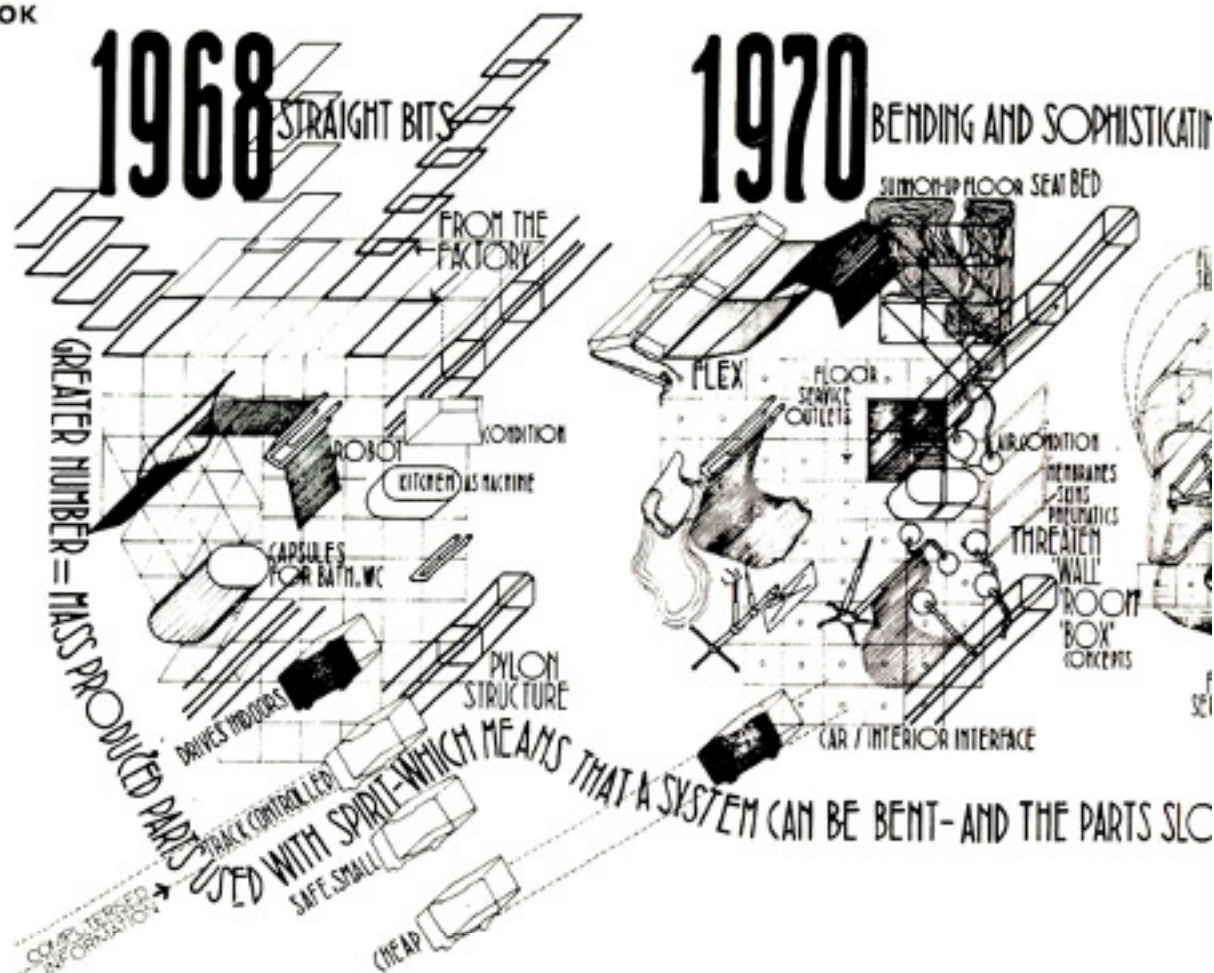
و دلائل پراکنده آن از نقطه نظر مادی، از جمله مطالبی بود که مرتب روی آن بحث می‌شد. باین ترتیب در شهر سازی، موقعیت‌ها نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن این مسائل انتخاب شوند. شکل، فضا، محوطه، و فشار ناروایی که از محیط پسته ما سرچشمه می‌گیرد، در هماهنگی شهر وقفه‌ای بوجود می‌آورد. معماری مدرن تمام این عوامل را بهم مربوط میکند. اگر گرفتارهای ناشی از این مسائل نادیده گرفته شود تصور کلی از مفهوم «معماری مدرن» خیلی بی‌ربط به نظر خواهد رسید. آرشیکرام پیشنهاد می‌کند که ساختمان باید از قید فرمول‌های از پیش تصور شده، انضباط مربوط به آنها و همچنین از بند هژزایده نولوژی‌ها آزاد باشد. ساختمان‌ها پشت سرهم درامداد سربو شده‌ها قرار گیرد و پلهای هوایی و خیابان‌هایی آنها را بهم مربوط سازد. طرز تولید ساختمان و وضع عبور و مرور درست همانند روش تولید ماشین و

شش معمار جوان در دفتری کار می‌کردند. آنها در عین حال که افکار و طرح‌های خود را مستقلانه پیش می‌بردند، در بسیاری از مسائل همکاری و همفکری داشتند. این امر باعث شد که مجله «آرشیکرام» را بوجود بیاورند. شماره اول آن طقیان و خروشی بود در برابر ناسامانی نوع معماری که شهر لندن را در برداشت در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ کار شاگردان مدارس معماری تنها کاری بود که میشد به آنها توجه کرد.

معماری قابل تغییر، وابستگی با سنت‌های ساکن و مسخره، فضای فیزی «ساخته شده با مواد و عناصر فیزی»، گرفتاریها و فشار های عمومی، روانشناسی «وان‌دیسر» و روانشناسی معماری «اسپرمن»، معماری افقاری در رابطه با کرات دیگر

ARCHIGRAM

PETER COOK



هائی خلق کنیم که همگام با پیشرفت علم و صنعت و تغییر فرهنگ بشریت باشد. معلوم نیست بچه دلیل هنوز هم یک نوع وابستگی با اشیاء گفته «مانند لوازم آشپزخانه» وجود دارد. در صورتی که طی دوازده سال آینده، این اشیاء از لحاظ رابطه با استاندارد های روز، نامناسب میشوند و در بیست سال آینده وجودشان تحمل ناپذیر خواهد بود حال آنکه اتومبیل کهنه چهار سال پیش، نهوع آور نیست. فکر بوجود آوردن محیط قابل مصرف هنوز همه جهانی وابسته به یک نوع انارشیسم و هرج و مرجی تلقی میشود. مثلا میگویند بجای اینکه به فکر تعمیر با استفاده از دستمینیستری باشیم، آنرا با بولدوزر خراب میکنیم. اما «اوستمینیستری» را با بولدوزر خراب نخواهیم کرد. باین مطلب باید اضافه کرد که در احداث ساختمانهای غیردائمی به فشارهای اقتصادی نیز توجه میشود. معماران اولین گروه اجتماع هستند که رابطه بین جنبش

بایه زندگی بر روی مواد مصرفی فرار خواهد گرفت. اینکه مردم فلسفه «خوش آمدگویی» را بصورت پدیده سالم و مثبتی پذیرفته اند، بخاطر درجا زدن اجتماع نیست بلکه به علت پیشرفت تولید است که بالاخره باعث انحطاط اصول اجتماع خواهد شد. خانه های دسته جمعی ما عبارتست از جعبه های که در هم و برهم روی زمین چیده شده اند، با مقیاس کوچک تولید برای مصرف آنها همین اجزاء محیط ما را تشکیل میدهند.

شاید اکنون لازم باشد این اشیاء که بعنوان فضاهای مکانهای زندگی و کاری مشهورند، تحت عنوان «اشیاء مصرفی» یا «فلسفه تولید برای مصرف» مطالعه شوند و بتوان آنها را انتخاب کرد و خرید. بهر حال با داشتن چنین ایده های باید آنها را بصورت «قابل مصرف و کارخانه ای» مطابق خواست روز در آورده و آن را بعنوان پایه ای برای «طرح های مصرفی» بوجود آورد. ما باید محیط

ملافه های گاللی استفاده میشود و شهرداری لندن در حال ساختن خانه های محدود و استاندارد چادری است. باین ترتیب در «بوم شناسی» هر طبقه ای از اجتماع ما با هر سطحی از کالاماجاجاتی خاصی همراه با تغییر مداوم، پدید آمده است. باین دلیل در انواع خانه ها نیز، تغییراتی بوجود آمده است. در گذشته مردم خود را به پوشیدن یک دست لباس، با نوع مشخصی از آن، مقید میکردند و خانه و لوازم آن را بقدری با دوام فراهم می ساختند که بتواند برای فرزندان شان هم مفید و مورد استفاده قرار گیرد. اما اکنون این طرز تفکر بکلی منسوخ شده است و مردم بیشتر طرفدار این فکرند که مثلا لباس خود را حتی المقدور سال بسال عوض کنند. در چنین حالی نباید تعجب کنیم که چرا فلسفه «خوش آمدگویی» بجای فلسفه «استنی» در زندگی مردم پذیرفته شده است. این طرز تفکر در اجتماع ما روبه ازدیاد است و احتمالا در آینده

ها و پیشرفت های فنی و ساختمانی را برقرار میسازند. در نتیجه آدم قرون بیستم باید منکر «قابلیت تغییر به مقیاس وسیع» باشد زیرا بیشتر ساختمانهای موجود، با قابلیت صرف تکنیکی شان جوابگوی حقایق و پیشرفت های اجتماع نیستند و وجودشان از پشت نقاب ساختمانهای پایدار به صورت مونومان هائی درآمده که حتما باید از بین برود.

جدول بقاء نسبی المانهای مختلف ساختمان

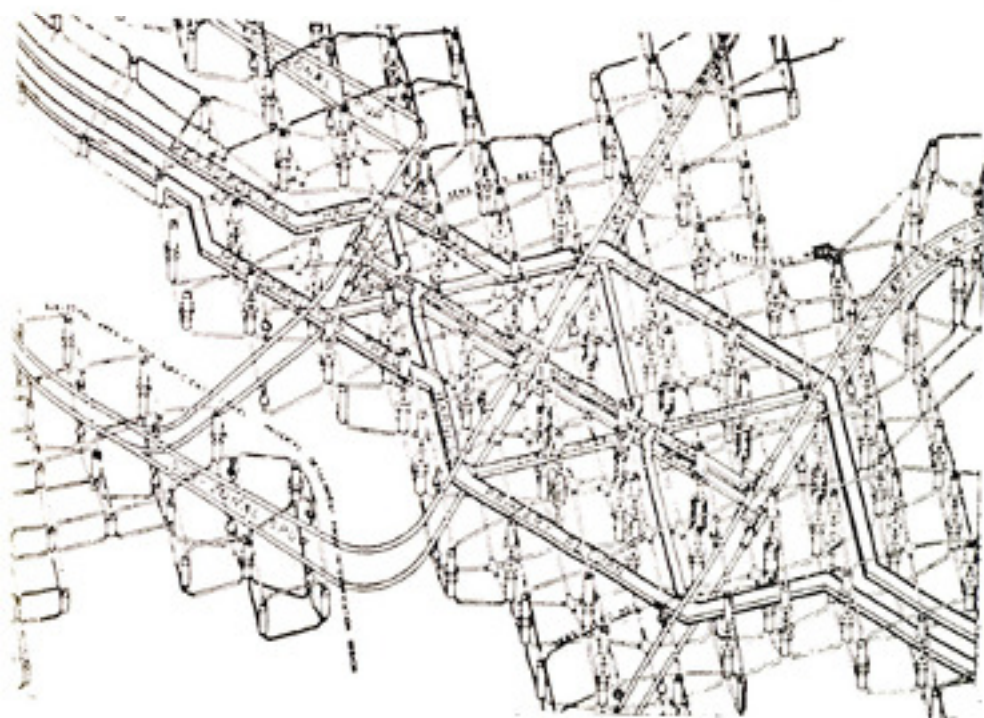
طی ۲ سال	جایگزین میشود	حمام یا آشپزخانه ، طبقه اطاق زندگی
۵۰	«	اطاق زندگی
۸۰	«	محل خواب
۱۵۰	«	محل بخشهای زندگی
۶۰۰	«	قسمت های سریع الاحتیاج مانند بازار
۳۰۰۰	«	منازه های متلی
۶۰۰۰	«	منازه های بزرگتر و فروشگاهها
۴۰۰۰۰	«	محل های کار و ادارات
۸۰۰۰۰	«	ادارات خودکار و الکترونیکی
۲۰۰۰۰۰	«	جاده های ماشینرو و لیره
۴۰۰۰۰۰	«	ساختمان اصل مجموعه

آرشیگرام

طرح يك شهر الكترونيك

۱۹۶۴ سال Campater City

طراح Crom Pton



گروه آرشیگرام. کار عرضه شده به بینال پاریس

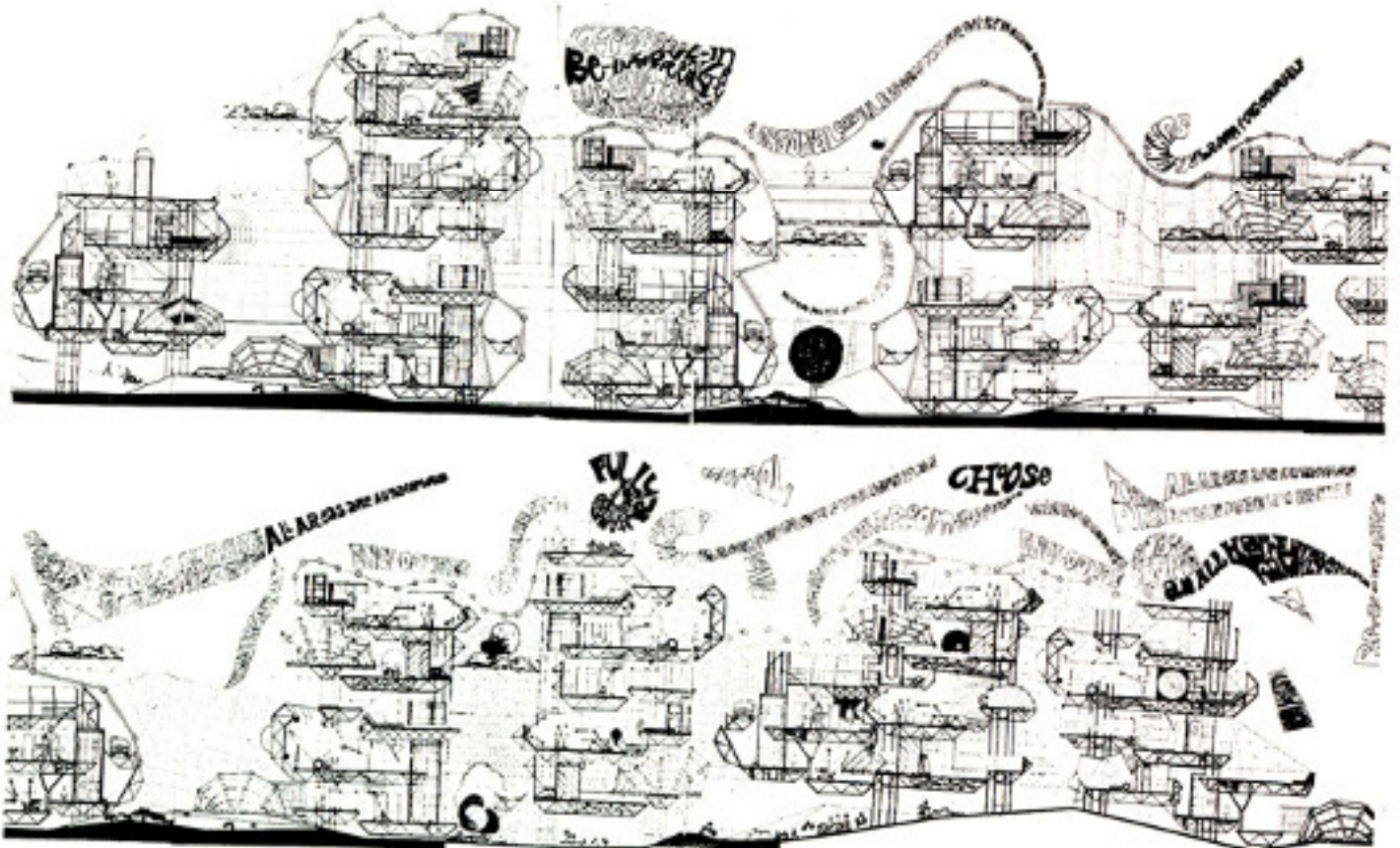
است برای گسترش دادن به مقیاس قدم نه اینکه وسیله‌ای باشد که جزء ویرو خانه بحساب آید : و یا شامل به اسبابها و وسائلی که باعث تحمیل پدیده های عینی‌شان در مقابل خواسته‌های روانی بشر برای رسیدن به موضوع های نزدیکتر و دوستانه‌تر میشوند .

مسئله اینست که از وسائلی که میتواند جنبه نگهداری محیط را داشته باشد بهره برداری کرده و به هرگونه حساسیت و حرکت متقابلی امکان رشد دهیم درعین اینکه نباید مغمور آنها شویم . وجود فزات در حال حاضر در این طرح مبنی بر پیشرفتی آهسته از نظر مقیاس و اندازه دوام منحنی بوده و به موارد زیر منتهی میشود : مسیرساختمانی Structural Path آنها از طریق تکامل روش های ساختمان با ستون شناخته شده است (نه بطریق فرضی و تجربیدی) سقفها و دیوار ها و سرویس های عمومی به هرمهای سه گوشه‌ای باابعاد يك دوم متر تجزیه شده (هرکدام شامل يك در سرویس که در مرکزشان قرار دارد میباشد) اجزاء خودکار - مبل و سایر لوازم ضروری در هر قسمت ازخانه ها در دسترس میباشند . مازمات خانه - محلهای جریان هوا و محلی برای تفریح بچه های طبقات مختلف در کنساره دریا و همچنین یکسری اتومبیل های خودکار در مجموعه در نظر گرفته شده است . مسیر گردش که برای وسائل سبک در نظر گرفته شده و در این نقشه‌ها نشان داده نشده‌اند. موثرترین مرحله در مورد ثابت روز افزون معادله وسیله‌ای « اختیار انتخاب » میباشد .

این پروژه که به بینال ارائه شده است مرحله است از توسعه ایده هائی که در پروژه های قبلی مطرح شده بودند و این کوشش است برای مطالعه و جستجو در زمینه روشها (سیستم‌ها) سازمان ها (ارتائیزاسیون ها) و تکنیک هائی که بما امکان ایجاد آزادی و یک زندگی خوب بمفهوم کلی آن را برای افراد میدهد . نقشه‌ها و ماکت نشان دهنده تک‌خانه های فامیلی مشابه (تیپیک) است . این ترتیب خانه سازی برای محلهای پرجمعیت میباشد. (در محلهای کم جمعیت نیز میتوان همین روش را ولی بترکیبی دیگر بکار برد) . این طرح بصورت توده‌ای از اجزاء بوجود آمده که در موارد لازم هرکوشه آنرا میتوان تغییر داد ولی در لحظه‌ای از زمان طرح در درون خود کامل است . این مرحله از طرح برای از حالا تا ۱۰ سال بعد طرح شده است ولی همین طرح با مقیاس و اجزای ترکیب کننده کوچکتر میتواند برای از حالا تا یک سال بعد نیز بکار برود .

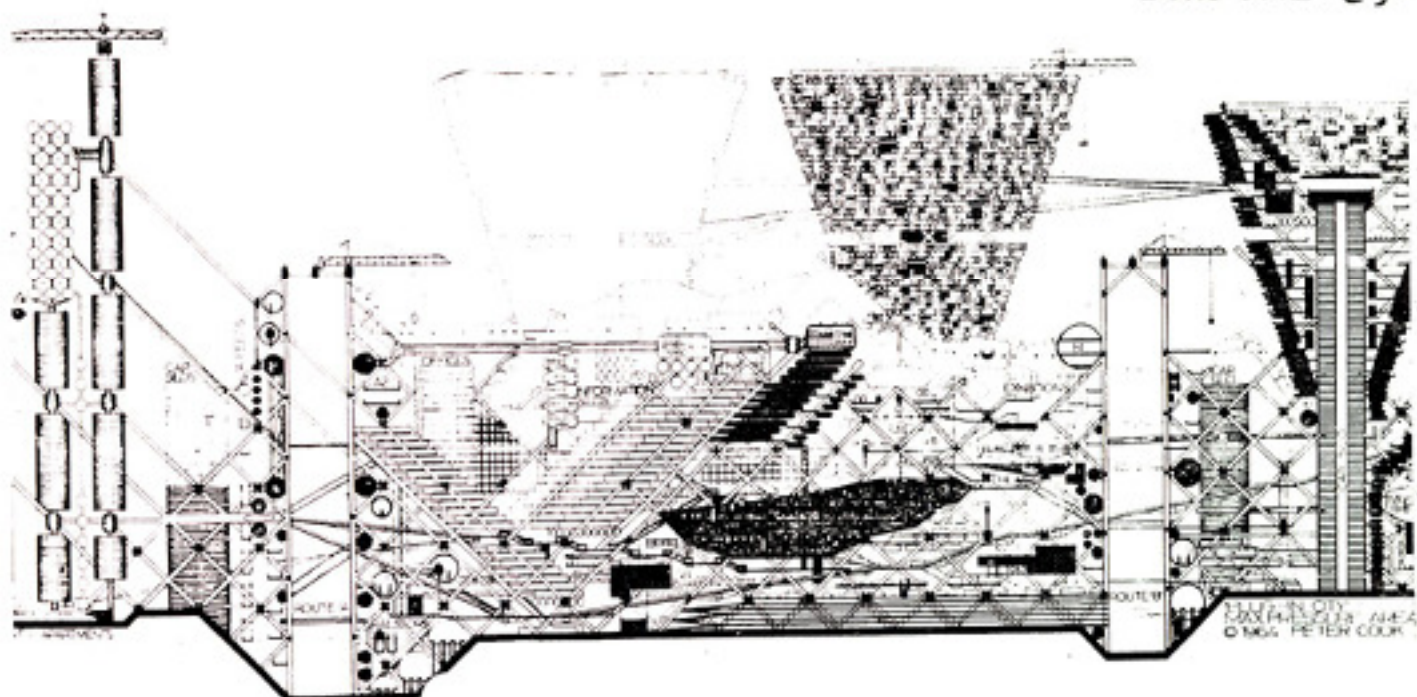
این جستجو مبین آشکاری ابهام بین آزادی صرف در انتخاب و کنترل بر همه چیز میباشد . بخصوص وقتی همبستگی بین حوادث و معیار هائی است که سستی بایکدیگر مقایسه نشده‌اند (بعنوان مثال - ساعت بساعت روشها در رابطه با ابعاد کلی و ضوابط آنها در تغییرند : اتومبیل وسیله‌ای

اختیار وزندگی انتخابی



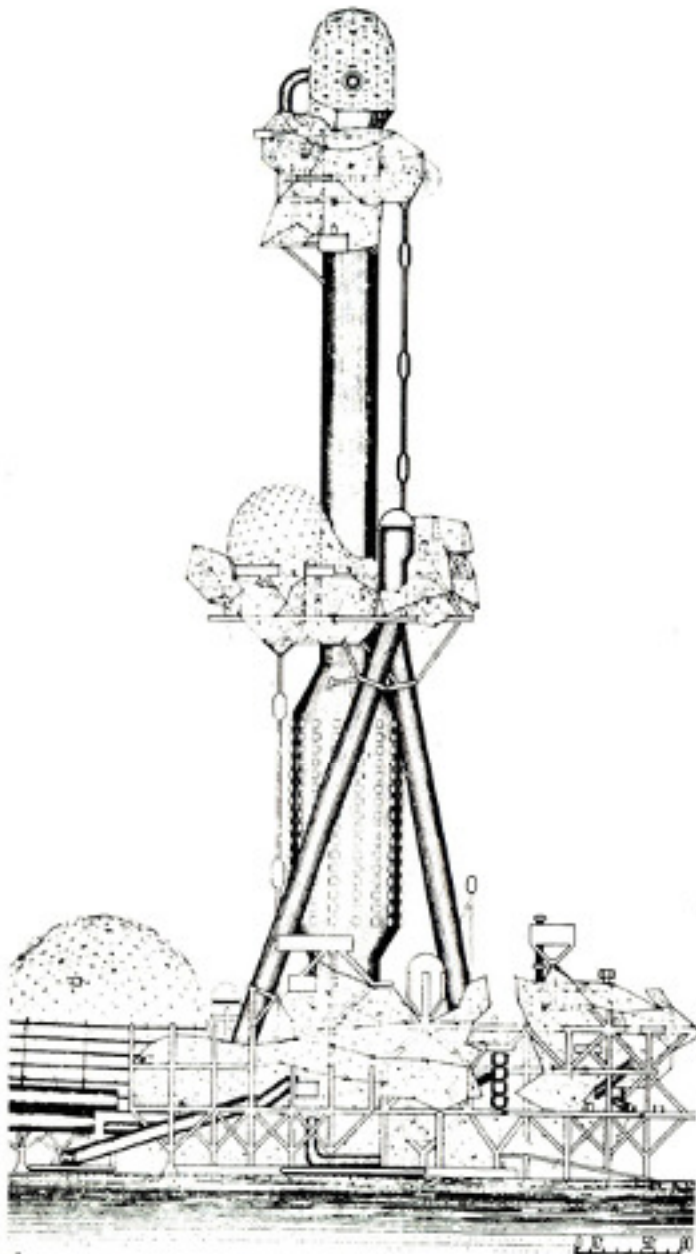
Plug-in City

طراح : Peter Cook

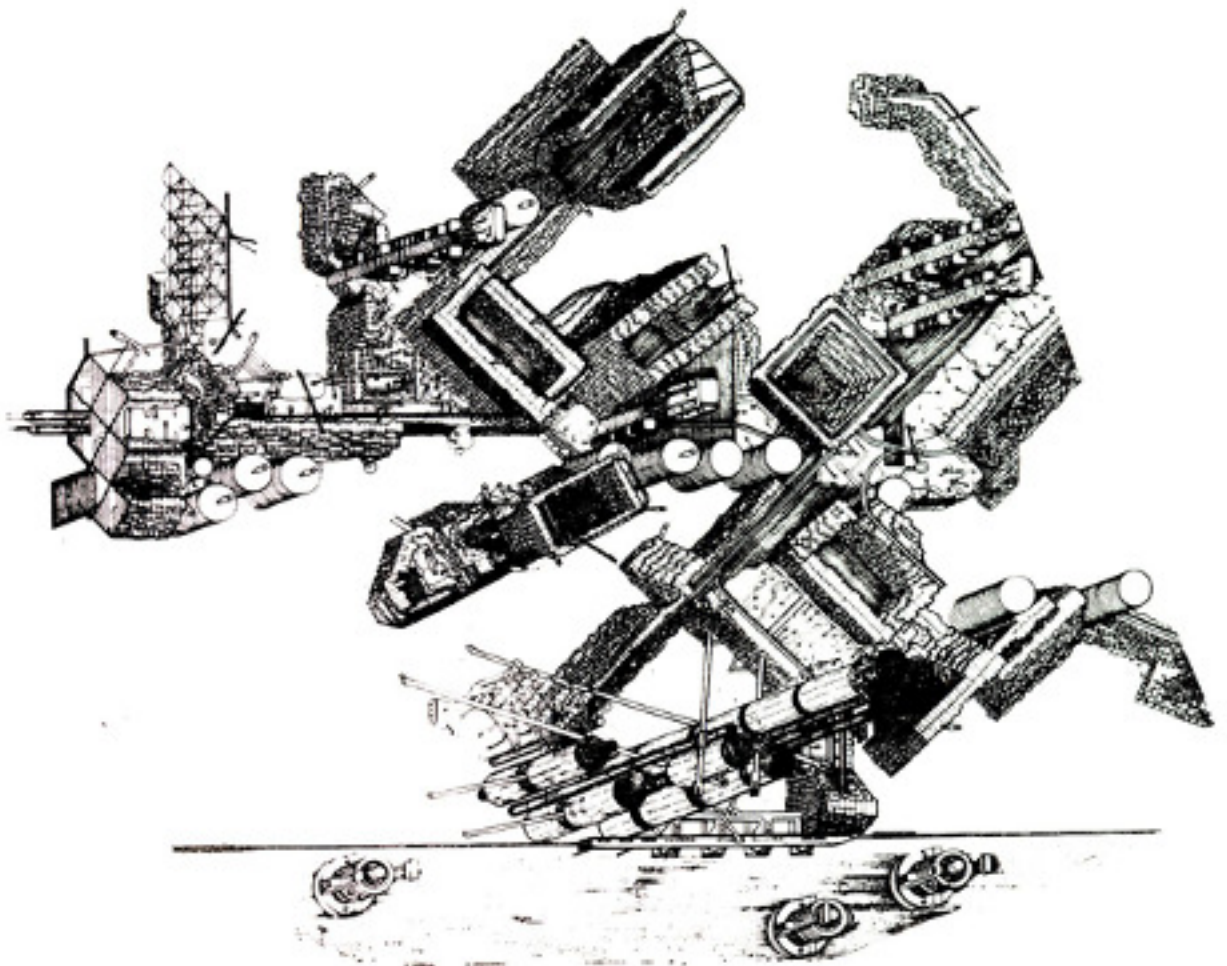


مقطعی از شلوغ‌ترین ناحیه از طرح Plug-in City طراح Cook سال ۱۹۶۴

روش Plug in city عبارت از يك سري ساختمان به مقیاس وسیع آن است که میتواند راهها و سایر قسمت های لازم برای هر نوع زندگی در رابطه با زمین بوجود آورد . این شبکه های ساختمانی میتوانند روی زمین با بالاتر از آن قرار گیرند . در داخل آن شبکه های مختلفی که تمام احتیاجات يك شهر را جویگو باشد در نظر گرفته شده است . این طرح ضمن دارا بودن روش ساختمانی ، طوری تنظیم شده که در آینده میتواند براحتی جای خود را به طرح های پیشروتر بدهد . يك خط هوایی که حامل نقاله های تلسکوپیک است و در بالاترین نقطه ساختمانیها نصب شده ، بخش های شهر را بیکدیگر می پیوندد . قسمت های هریکشی که عموماً به ماشین های الکترونیکی مجهزند ، نیازمندیهای روزانه مردم را بخوبی تامین میکنند . قطعات مربوط به حمل و نقل ، تغذیه کننده ، خط ها ، جاده ها و تونل های تغذیه ای برای رساندن بارو سرویس ، همگی قابل تغییرند زیرا خود شهر قابل تغییر است . تمام شهر در حکم يك ساختمان است و کار در داخل شهر ، ناعد ممکن مانند کار در يك ساختمان ، پدیداری شده است . در حال حاضر این طرح را میتوان بطور محاسباتی Tanyemthy وارد شهر های بزرگ کرد و احتمالاً جای آنها را خواهد گرفت اما تا چهل



نما - نقشه مجموعه و عکسی از ماکت يك برج نمایش همراه با هتل ، پارکینگ و مرکز تفریحی درمونتال سال ۱۹۶۴ طرح : Cook که برای شرکت ساختمانی Taylor Woodrow تحت رهبری Teo Clossy طرح شده است.

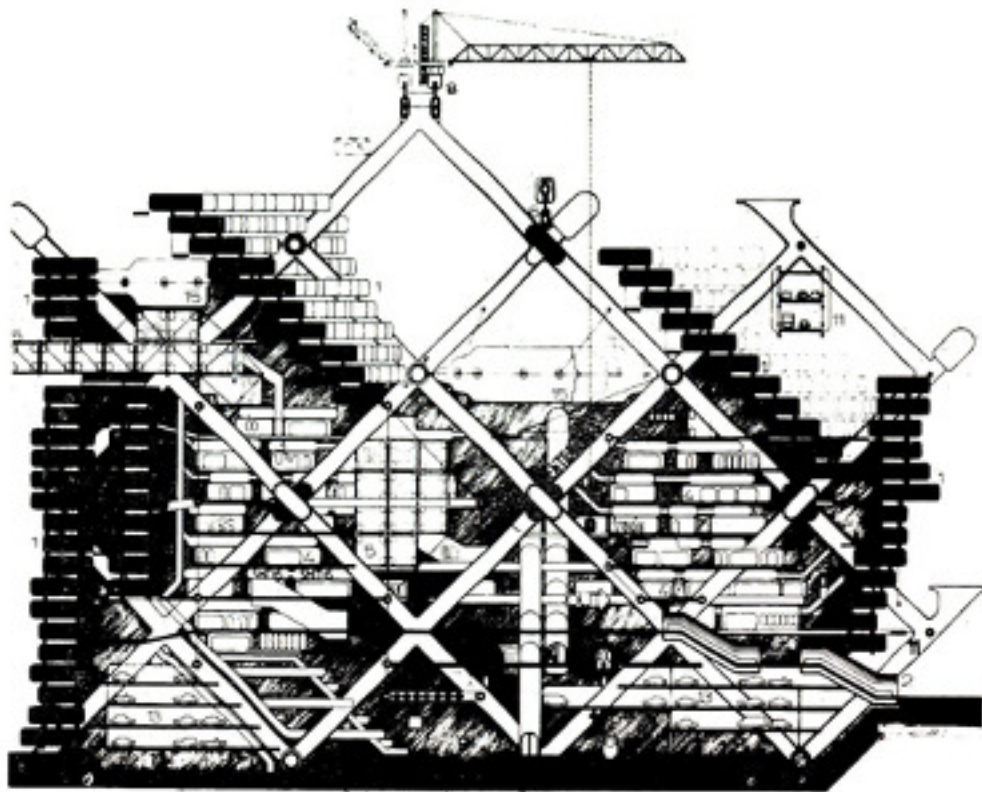


منظرهای از :
Plug in city
از ارتفاع

محلی است . يك چهارم آن لوله های فرار نامینی را تشکیل میدهد و يك چهارم دیگر مجموعاً برای حمل بار و سرویس ، اختصاص دارد . در این شبکه ، طبقات ساختمان در هر نقطه ای که لازم باشد بوجود می آیند و از يك آسانسور متعم استفاده میکنند . آسانسور متعم عبارتست از کابل های کششی ، دستک و یا دستکهای که يك درمیان به اسکلت اصلی سه بعدی ، آویزان میباشد . تمام اجزاء متعم خانه ها مفازدها ، ادارات ، راهها ، پله های برقی و غیره ، از نظر ساختمانی ، بوسیله روش سه بعدی (فطری) حمل میشوند . يك نوع روحانیت و فلسفه خاص در این نوع اسکلت وجود دارد . که بر پایه بقاء همیشگی قدرت سرعت و نیاز آینده جوامع انسانی ، استوار است . اجزاء بلند و ثابت در نزدیکی اساسی Base یا در داخل سازمان فرار دارد و اجزاء کوتاه ثابت در نزدیکی فله و یا پیرامون سازمان . بنابراین راه آهن های سنگین و بر بار در زیر مجموعه جای دارند و بالن های پرواز و غیره در بالای آن . اجزاء سنگین در زیر هستند ، جاده ها و تک ریل های سریع در نزدیکی فله . پارکینگ های ناحیه ای نیز در زیر فرار دارند . به مقطع نیمه بالای مجموعه ، از بالا به پایین نگاه کنید . این قسمت شامل فضا های اجتماعی شلوغ و محل های تفریح است به همین دلیل است که میدان ها در این قسمت فرار گرفته اند همچنین آسانسور های اصلی نیز در این قسمت ظاهر میشوند .

آبارلمان ها يك خط هوایی سریع السیر **Hover Way** فرار دارد . راههای فضائی با دو خط بر در رئوس ساختمان نشان داده شده . در پایین طرح ، سمت چپ ، قسمتی از شهر را که در دست ساختمان است مشاهده میکنیم . همچنین در بعضی از رئوس ساختمان ها ، طریقه کار گذاشتن بالن هایی که در مواقع ضروری برای تجمع فضائی بکار میرود ، دیده میشود . سنگین بارترین فضا های شهر با تعدادی راه بازرسی و سرویس میشود . این **Arcleavages** در اسکلت اصلی عملاً برای تجمع کامل جرتقیل ها از بالا تا پایین میباشد . راههای هوایی در امتداد مسیر اصلی تکثیر میشوند . جاده تغذیه کننده و جاده سرویس اصلی در دو طرف این مسیر بفاصله سیصد با فرار دارند . پیاده روها بشکل گردشگاهانی است که مانند پل هایی از طبقه راهتها به طبقه راهتهای دیگر کشیده شده و فاصله آنها از یکدیگر به نسبت سرعت عبور و مرور در هر يك ، تنظیم شده است و پل های برقی که برای اتصال طبقات بکار رفته اند ، شکل طبقات معمولی را بخود میگیرند . سنگین بارترین قسمتها در طرح ، نمایش دهنده پایه های مربوط باینده طرح است و اینکه چرا باید بطور کامل بطرح **Plug in City** دست زد . يك شبکه سه بعدی از لوله های به قطر ۹ پا ساخته شده است که نقطه تقاطع آنها ، در ارتفاع ۱۴۴ پایی بایک ترمه اتصال ۸ طرفی است . در يك چهارم این لوله ها ، حرکت سریع زندگی جریان دارد . يك چهارم آن مربوط به حرکت آرامتر

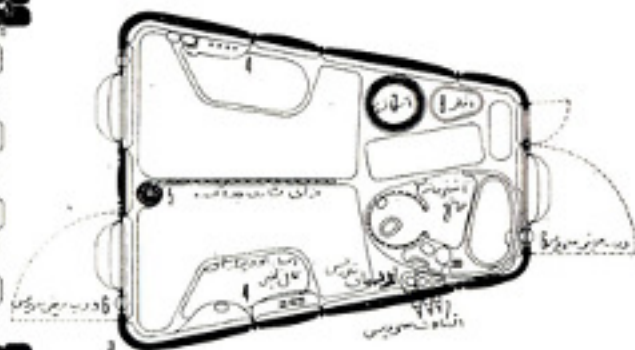
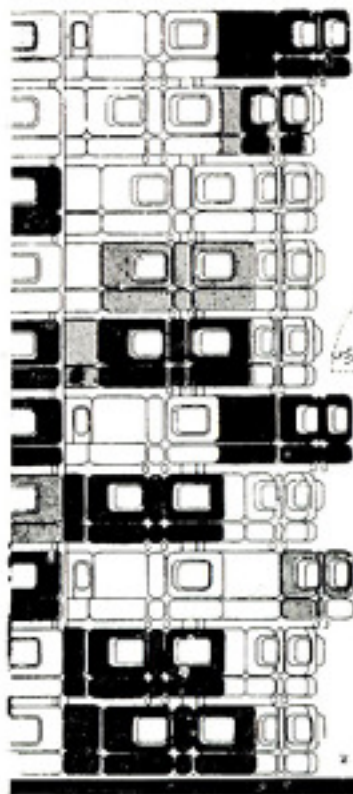
سال دیگر که روش های ساختمانی بر اثر پیشرفت تکنولوژی دگرگون خواهد شد ، این طرح نیز جای خود را به طرح های پیشروتر خواهد داد . بوسیله راههای فضائی یا هر سیستم دیگر که جایگزین آن بشود . باین ترتیب **Plug in City** شباه زیادی به يك ارگانیزم زنده دارد که در محیط ما رشد میکند . بجز راه معلق فضائی که در بالاترین نقطه ساختمانها تعبیه شده ، راههای کم اهمیتتری در طبقات پایینتر ، بین ساختمانها وجود دارد که در آن وسیله های نقلیه و جرانقال های نل سکویی حرکت میکنند . نقل و انتقال و رفت و آمد بین ساختمانها بوسیله همین جرانقال ها انجام میگردد . منظره هوایی مجموعه شمائی از يك قسمت کوچک **Plug in city** است و نشان میدهد که این طرح چگونه از اصل بایک روش مشخص دنبال شده و چگونه قسمتهای مجاور ، با برآوردگی ها و قلاب های خود بیکدیگر مربوط میشوند . بافت های میله ای که بخش های مختلف را بیکدیگر مربوط کرده بکیارچگی آنها را فراهم میسازند ، بطور کلی ارتفاع زیادی از سطح زمین دارند ولی در انتهای پیش آمدگی ها ، فقط میتوانند قسمتی از ۱۴۰ پا ارتفاع مجموعه را بخود بگیرند . آبارلمان های مسکونی در قسمت راست فرار دارند که در آن ترفیك بیشتری برای حرکت جمعیت در نظر گرفته شده است . در هر يك از این برج ها مجموعه کامل وسایل زندگی و ادارات مربوطه ، فراهم و داتر میباشد . این برج ها از راه تونل ها با همراکز عمومی متحرک ارتباط دارد . در قسمت راست



قسمتی از نمای Plug-in-city شامل لوله‌های آسانسور و قسمت‌های مسکونی و خرید و انبارها و پارکینگ همچنین قسمت‌های اجتماعی و تکریرل های حمل و نقل

- ۱- بخش مسکونی
- ۲- لوله‌های آسانسور
- ۳- آسانسورهای مفاز و سیاهوا
- ۴- مفازها
- ۵- سوپر مارکتها
- ۶- تکریرل‌های سریع
- ۷- محل تکریرل‌های سریع
- ۸- ریل جرانقال
- ۹- راه آهن سنگین (با ظرفیت زیاد)
- ۱۰- مرکز ارتباطات
- ۱۱- راه سریع
- ۱۲- محل جاده‌نقدیه کننده (شاهراه اصلی)
- ۱۳- پارکینگ
- ۱۴- انبار کالا
- ۱۵- سالن کنترل

برج معدودی که بوجود آورنده بخشهای مسکونی در طرح Plug-in City می باشند سال طرح Chalk این بخشها می‌توانند بسا بوجود آمدن طرحهای بهتر جای خود را بآنها دهند. اما چون اسبابهای داخلی نیز قابل توسعه و تعدید می‌باشند اسبابها و دیوارهای داخلی بفرمی قابل تغییر در نظر گرفته شده (طول محور افقی و قائم قابل کوتاه و بلند شدن است) که میتوان براحتی در داخل خانه تغییراتی داد آشپزخانه ها و حمامها بصورت کپسولهای قابل باد کردن می‌باشند.



- ۱- کانال سرو کننده
- ۲- آشپزخانه و حمام
- ۳- آسانسور بادی
- ۴- گیره و وسایل منصوب بردیوار
- ۵- فتر تقسیم‌بار
- ۶- در بزرگ سرویس
- ۷- خدمات ارتباطی
- ۸- انبار

تأثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی انسان

معمولا اوقات فراغت را اینطور تعریف می‌نمایند که انتخابی است آزاد از فعالیت‌ها، اختیاری است آزاد از وقت در مقابل اشتغال جبری یا اجبار مخصوصا اجبار اجتماعی.

انسان دارای یک سلسله رفتار است، بعضی از این رفتارها ناشی از خود ساختمان جسمانی ما است که در حالت طبیعی با تئو پ کم و بیش تکرار میشود از این قبیلند، خواب، بیداری و رفتار غذایی و بعضی از فعالیت‌های حرکتی.

رفتارهای دیگری نیز هستند که از مدت‌ها پیش بشر با آنها مآلوس شده است. و در طی نسلها برای بشر بصورت عادی درآمده‌اند از این قبیلند فعالیت‌های اجتماعی از قبیل بیان، عادت و بازیها. بلاخره رفتارهایی هم هستند که بعلا تازگی و همچنین به سبب اینکه باید پاسخگوی نواقص زیادی باشند مستلزم فعالیت عصبی شدیدی برای سازگاری دقیق هستند و از این قبیلند فعالیت‌هایی که دنیای فنی معاصر خواستار آنست و سلسله مراتب اعمال بدنی تقریبا از همان هنگام ظهور کشتها از بدو طفولیت شکل پیدا میکنند.

روانشناسی تکوینی به بررسی این مسئله پرداخته و در طول تقریبا ۵۰ سال اسناد زیادی را جمع آوری کرده است که رفتار کودک را در سالهای اول هفته به هفته ماه به ماه بطور دقیق تعیین میکند. تکامل این رفتارهای فرد انسان طور است که ما را بیاد تکامل نوع انسان می‌اندازد بنحویکه میتوان در تکامل رفتار فرد تکامل نوع را بخوبی مشاهده کرد.

در پایین ترین سطح به فعالیت‌هایی برخورد میکنیم که برای تمام افراد و در هر محیط و هر زمان مشترک هستند مانند رفتار غذایی، تناوب حرکات و استراحت و سپس پیدایش تجسس فضایی و دخل و تصرف در اشیاء.

بازیها در عین حال یک عامل دوام و یک عامل تطبیق هستند که گذشته نوع بشر را که در آن جماعتی کودکان جهان مشابه یکدیگر هستند با زمان حال آنها که مشخص کننده تفاوت‌های فردی است بهم مربوط میکنند. اندیشه منطقی جانشین اندیشه جادویی میشود و امر ذهنی و امر عینی بجای اینکه باهم مخلوط شوند در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. فرد با کوشش چهارچوب فضایی و زمانی فعالیت‌ها خود استقلال قابل توجه بدست می‌آورد و در ضمن روابط انسانی خود راهم پیش از پیش زیاد میکند چنین تکاملی بسوی خود مختاری در دنیای وسیعتر و پیچیده‌تر و بویژه پرنرکزتر مستلزم بکار بردن کارهای جدیدی است که انسان می‌باید مرتبا بوجود آورده و تغییر دهد.

این کارهای تازه و ظریف و پیچیده که هنوز عادی نشده‌اند انرژی هجانی زیادی را مصرف میکنند و از اینرو خستگی عصبی بوجود می‌آورد. نوع کار یعنی نمی‌تواند مدت زیادی بدون خسارت دوام بیاورد بنابراین می‌باید پشت سر آن دوره‌های از تمدد وجود داشته باشد. خصوصیت این نوع تمدد عبارتست از برگشت به فعالیت‌های عادی‌تر و با استراحت.

نشخ‌های عروقی و حمله قلبی در دوره طولانی کشاورزی که ما شاهد زوال آن هستیم انسان به خاک روستای خود بایند بوده و از هنگامیکه ماشین را بین خود و طبیعت قرار داد همیشه مشتاقانه در جستجوی بازگشت به طبیعت

است و امروزه به‌شن‌های سواحل و بلاژها اکتفاء نموده و در فکر تصرف فضا و دریاها است.

فرزیه مهاجرت که سابقا توسط حملات و جنگ‌های صلیبی و زیارت‌ها و بعضی اکتشافات ارضاء میشد در زمان ما فقط زنده‌گمی ارضاء میشود امروزه آژانس‌های جهانگردی هرروز بیشتر سازمان می‌یابند و مسافرت‌هایی ترتیب میدهند که امکان (بازگشت به اصل) را موجب میشوند. آمریکاییها به اروپا و اروپاییان به شرق مسافرت میکنند و انتظار می‌رود که این تمایل هرروز شدیدتر شود.

تمدن اوقات فراغت دوره‌ای نخواهد بود که در آن «کار» جای خود را به بی‌کاری دهد.

در حال حاضر مانعی که بر سر راه تعادل زیستی انسان وجود دارد اغلب بر اثر ناتوانی انسان است که چگونه نمایان تضادی را که طبیعتش به او تحمیل میکند تغییر دهد و یا آنها را با هم سازگار کند.

طب پسیکوسوماتیک مثالهای زیادی از تناقض بیماری را از این قبیل بهمان نشان میدهد. مثلا یک کارفرما بواسطه نقش اجتماعی مجبور به تقبل کارهای بربسولیتی است در صورتیکه عشق شخصی او وی را بطرف رفتارهای بچگانه و اطاعت سوق میدهد و لذا نمیتواند طرز رفتار خود را تطبیق دهد و با این حالات آنقدر بامداری میکند تا دچار نشخ عروقی و گاهی اوقات دچار حملات قلبی میشود و لکن می‌توان امیدوار بود که نسل‌های آینده خواهند توانست خود را از این حوادث حفظ کنند.

در حال حاضر یک نوع طرز تفکر جدیدی در جوامع بشری در حال تکوین است: مردان و زنان همانقدر که هم خود را به پرورش فکر معطوف میدارند به تمرینات جسمی و پرورش آن هم می‌پردازند.

ایام فراغت، عامل حیاتی

کار که از هنگام اولین دوره صنعتی پیش از پیش گسترش پیدا کرد وقت اساسی هر شخص را اشغال نمود وقت برای فراغت مخصوصا برای خواب بسختی بدست می‌آمد. پیشرفت تکنیک ضمن افزودن کارائی ماشین متدرجا زمان کار را کاهش داده و در ضمن کار را اجباری‌تر میکند و از آن هنگام فراغت در نقطه مقابل کار قرار میگردد. چه انواعی از ایام فراغت که می‌توانند به تعادل زیستی انسان کمک کنند باید توسعه یابند؟

- هرآن چیزی که به ارضاء تمایلات درونی انسان کمک نماید.
- هرآن چیزی که گسترش و شکفتگی جسمانی انسان را ناممکن میکند.

- هرآن چیزی که سبب تمایز صریح بین نشد و تمدد تضللی است.

برای رسیدن با این هدف بویژه فعالیت‌های ورزشی و هنری و فرهنگی ضروریست و این بغاظر ناف نمودن ایام فراغت نیست که باید این فعالیت‌ها را سازمان داد بلکه اثر بخواهیم که این فعالیت‌ها اولایقه حیاتی خود را انجام دهند می‌بایست که حاوی بعضی مشخصات باشند عبارت دیگر آنها می‌باید جریان فعالیت‌های شغلی را بنمایند و باید همان اندازه که شغل موجب تشدد میشود فعالیت‌های ایام فراغت باید به تمدد کمک نمایند و در تمام حالات باید محیط اطمنانی بوجود آورد که یکی از شرایط آن سازمان دادن به گروه‌های فرهنگی است که موجب بسط دوستی بین افراد انسانی است.

از: آرپیماز پطروسیمان

نگاهی به معماریهای ابتدائی در

در ضمن مطالعات که نگارنده در باره فوائد
وامکانات اجرایی ونحوه انجام معماری موقتی
وقابل تعویض و دورریختن انجام میداد ،
طبعا بانواع معماریهای ابتدائی موقتی و نیمه
موقتی مانند ساختمانهای گلی و سنگی بدون
سقف گلهدارها ، ساختمانهای حصیری و
کاغذی روستاها و جوامع فقیر ، سیاهچادرها
والاجیفهای عشایری ومانندان که در ایران
وجود دارد نیز توجه گردید و برای مطالعات
نمونه‌ای ژرفانگر این نوع معماری ، خانه
های سنگی منطقه جبال بارز ، خانه های شی
دشت جیرفت و چادرهای عشایر ساردوئیه
انتخاب گردید . انتخاب منطقه جیرفت برای
مطالعات بعلت شرایط مخصوص بقیه مطالعات
بوده است ولی جمع این سه نوع ساختمان
موقتی فوق نیز در يك منطقه كمك زیادی
در تسهیل كار مطالعات نموده باعث شد بتوان
در يك برنامه مطالعاتی هر سه را بررسی نمود.

خانه های جبال بارز

در منطقه کوهستانی جبال بارز تقریبا
تمام ساختمانها سنگی می باشند البته مقصود
اینست که دیوارها از سنگ ساخته میشوند و
سقف ساختمانها از تیر چوبی و گل و یا گنبد
طاق ضربی خست گل ساخته میشوند که بطور
کلی سقفهای گلی بیشتر مربوط به ساختمان
های دائمی وسقفهای چوبی مربوط به ساختمان
های نیمه موقتند باین معنی که دیوار های
سنگی این ساختمانها بصورت همیشگی (یا
لااقل برای مدت‌های بسیار مدیدی) ساخته
میشوند و سقفهای چوبی آنها را هر سال یا
گاهی هر فصل به مقتضای نوع کار آنها ،
بر میدارند و از نو میسازند و یا تغییراتی
بان میدهند و بهمین علت هم اغلب مقدار
زیادی دیوارهای موازی یکدیگر بدون سقف
در داخل یا در کنار آبادیهای کوچک دیده
می شوند که بهیچوجه نباید آنها را بجای
خرابه یا ساختمانهای متروک گرفت بلکه
بطور موقت خارج از استفاده هستند . این
ساختمانها یا بصورت اطاقهای منفردند یا
بصورت اطاقهایی که در يك ردیف کنار هم
چسبیده اند و بنظر میرسد که هر يك از اطاقها
يك خانه مستقل باشد تعداد ساختمانهای ۲
طاقی بیش از انواع دیگر است . با آنکه
سقف این خانهها از چوب و یا حصیر و کاهگل
است شکل ظاهری آنها مانند طاق شیبدار
است باین معنی که بالای دیوار جلویی و
عقب خانه بصورت قوسی از دایره است و
دیوار عقبی غالبا قدری کوتاهتر از جلویی
است و چون بیشتر خانه هاروبدره یا حداقل
سرازمیری ساخته میشوند اغلب در مرتفعترین
نقطه خاک که ضمتا کوتاهترین نقطه دیوار
است و ارتفاع دیوار از خارج به حدود يك
متر میرسد . روی این دو دیوار تیر های
چوبی سقف بموازات دیوار های جانبی خانه
ریخته میشود .



وضع شتاب یک دره جلوه در کنار سبزان بصیرت



- ۱- میدان برج آب سبزان
- ۲- غیابن
- ۳- جوی آب
- ۴- دیوار کوتاه سنگی
- ۵- کنولانی بر اعتبار خرد کوه حور در مجانب
- ۶- کنولانی دائمی شهری
- ۷- سیاهپار
- ۸- دفت
- ۹- تلاه خاک

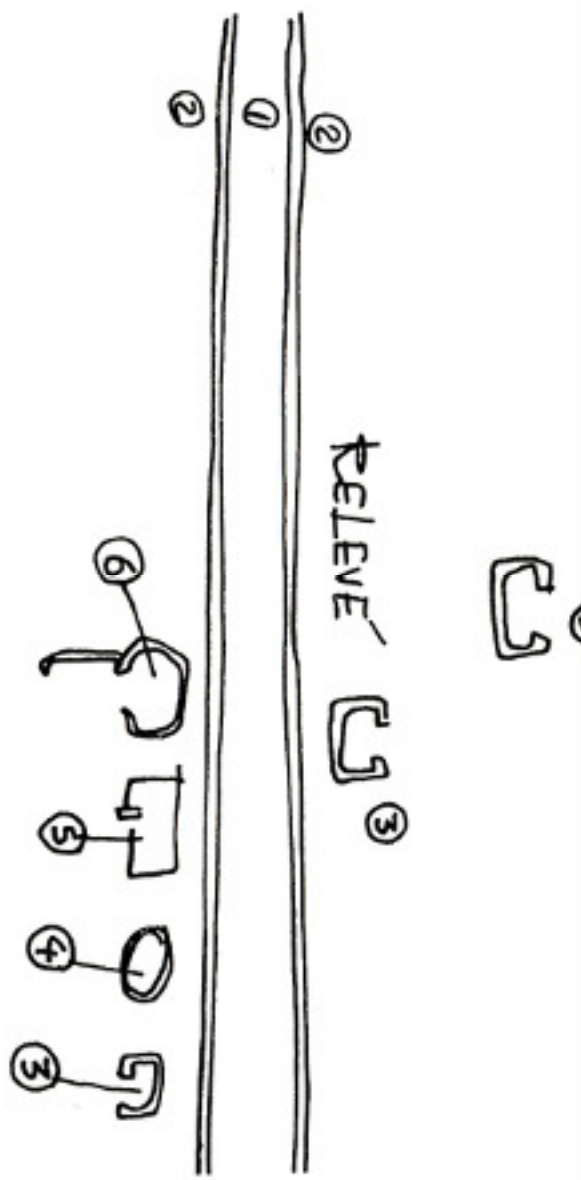
- ۱- حاره
- ۲- جوی آب
- ۳- سیاه حاره
- ۴- کنولان معبوی
- ۵- کنولان ملعب . احتمالاً کپری
- ۶- کنولان با درودی و محوضه سرباز

حیرت

در نوعی دیگری از ساختمانها فقط دیوار های جانبی وجود دارد یعنی تعدادی دیوار موازی یا هم با فواصل برابر ساخته شده که روی آنها در مواقع استفاده مقداری تیر چوبی بصورت آزاد و نامنظم میگذارند و قدری هم برك نی یا حمیر میگذارند . بعضی از حمیرها و علفها از دو طرف آویزانند که کار دیوار های جلویی و عقبی را انجام میدهند . از این ساختمانها برای انبار کردن علف و مانند آن و همچنین برای ساختن مصنوعات دستی و بطور کلی آماده کردن فرآورده های خانگی استفاده میکنند.

آبادیها

روستاها غالباً در دو طرف جاده ها ساخته شده اند و طرز قرار گرفتن خانه ها بستگی به فواصل آنها با جاده دارد باین معنی که ساختمان های نزدیکتر بجاده بصورت خانه های مسوازی و در یک خط قرار دارند و خانه های دورتر بصورت نیم دایره یا قوس هائی از دایره هستند که مانند دوپراتسز جاده را در برگرفته اند . ورودی خانه ها همیشه بطرف شیب قرار دارد و در اغلب روستاها جهت آفتاب و باد تاحدودی رعایت شده است ولی همیشه جهت جاده مهمترین عامل طرز قرار گرفتن روستاها است . در این روستاها غالباً بمقدار بسیار کمی سرویسهای عمومی ابتدائی مانند قهوهخانه یا یک مغازه در هر آبادی دیده میشود .

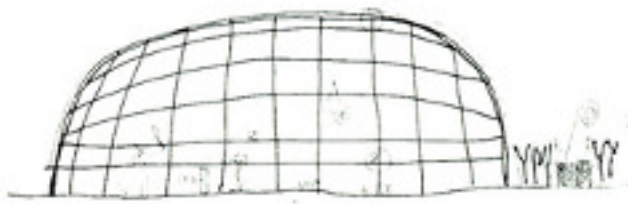


یک گروه «در کنار جاده»
در کنار ده ملک آباد بصیرت

جلگه سبز واران

کتوک در زمین آبدیورت

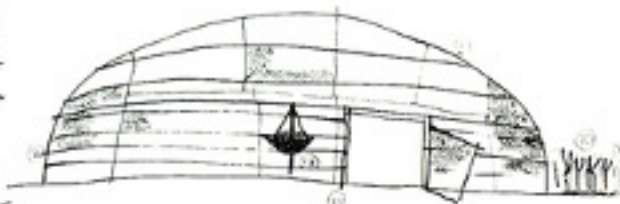
- ۱- نروود از زم - خرما
- ۲- نروود از گرتیر
- ۳- چراغ
- ۴- تخت چوبی
- ۵- حائل مرطوبانی
- ۶- دیواره پادیزسی



SECTION A-A



SECTION B-B



SECTION C

- ۷- حائل مرطوبانی
- ۸- گهواره
- ۹- نروود از زم
- ۱۰- بیت چوبی
- ۱۱- چهلچرخ از زم
- ۱۲- دیوار حصیری
- ۱۳- تخت آبی

از خارج قطب نروودهای آبی درجه میشود که کار خنکیت را انجام میدهد.
از داخل تمام نروودها دیده میشوند. پیش از برقراری خنک شده نروود می آید که در کتب علمی آنرا کول باکسل می نامند.

ساختمان معمولی در حیرت «کتوک» است که از نی و چوب خرما بافته میشود ولی گاهی هم ساختمانهای گلی شبیه به ساختمانهای سنگی جبال بارز بچشم میخورند در بعضی موارد روی کتوکها را گل میمالند. در سبزواران و روستاهای بزرگ بیشتر خانهها گلینند. با اینحال عده زیادی از مردم در کتوکها زندگی میکنند (بخصوص در مناطق انتهائی شهر و بخصوص در تابستان).
عمر طبیعی یک کتوک ۴ یا ۵ سال است ولی معمولاً بیش از ۱ سال در آن زندگی نمیکنند زیرا اولاً خیلی کثیف و غیر قابل استفاده میشود و ثانیاً به علت خشکی احتمال آتش سوزی خیلی زیاد میشود. پس از یکسال زندگی کتوک جدیدی در نزدیکی کتوک قبلی میسازند و کتوک قبلی را بعنوان طوبله چهارپایان بکار میبرند (گوسفندان را در هوای آزاد میخوابانند). در سال سوم کتوک را خراب کرده از چوب و نی آن برای سوخت استفاده میکنند و همیشه کتوکها را از نی تازه میسازند.

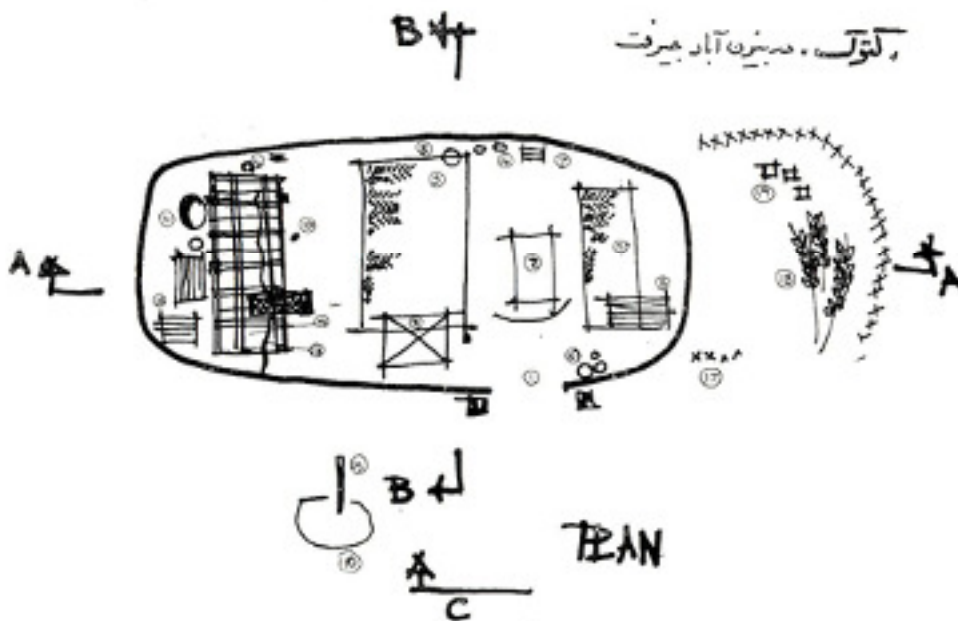
کتوک خانهای است با پلان بیضی و مقطع نیم بیضی دارای دو دسته نروود افقی و قائم، البته سطوح نروودهای افقی نسبت به افق واقعی شیب دارد و این شیب بتدریج از بالا به پایین کم میشود و سه نروود پایینی کاملاً افقی است چسب نروودها از ترکه خرماست و روی آن پوششی از دسته های نی که بگوشی محلی کل نامیده میشود قرار دارد و تعدادی مهار افقی از ترکه خرما بروی آنها میگذارند و به نروودهای افقی بسته میشود.

در کتوک خیلی کوتاه یعنی حدود یک متر و نیم است و گاهی دور آن سایبانی است. سه طرف در چهار چوبی از سه دسته بنظور تقویت قرار دارد و پردهای از حصیر از بالای آن آویزان است و یا بیکی از دو طرف (معمولاً دست چپ) بسته شده است. در تابستان کل دو انتهائی کتوک را بر میدارند و بجای آن خارشتری میگذارند که مانع وزش باد شود و برای خنک کردن روی آن آب میپاشند.

داخل کتوک از یک فضا تشکیل شده است و هیچ تقسیم بندی فرعی وجود ندارد و تمام زندگی ساکنین در همین یک فضا است. در یک گوشه این فضا لباسها و صندوقهای اشیائی که مورد استفاده روزمره نیستند انبار شده است محل نگهداری مرغها نیز در همین قسمت است.

در جلوی ورودی گودی کوچکی است که در آن آتش برای پختن غذا یا آماده کردن چای پیا میکنند. دو طرف این اجاق بادو قطعه حصیر فرش شده است که ظروف مورد استفاده همیشگی و همچنین رختخوابها روی این حصیرها چیده شده اند مشک آب

کتوک در زمین آبدیورت



- ۱- تخت چوبی (در عدد بزرگ)
- ۲- اسانه چوبی رسنالی
- ۳- کلم رشد، فرش حصیری
- ۴- تختهای تاغ برای چوبی مرطوبانی
- ۵- مرغدانی
- ۶- چوب برای تخت
- ۷- تخت آبی
- ۸- نروود از شاخه خار در زم
- ۹- برگ خرما در نی انباشته

- ۱- ورودی
- ۲- تنور (تقریباً ۱۵ cm گودی)
- ۳- حائل جلوی تنور
- ۴- کانه در یک میس
- ۵- فرش حصیر
- ۶- رختخواب
- ۷- گهواره
- ۸- چراغ
- ۹- بچه در چوب

- ۱۰- بیت چوبی
- ۱۱- در واقع خراب نشده است
- ۱۲- حصیر دست چپ بین
- ۱۳- میشود و حصیر دست راست
- ۱۴- قطب برای سهامان اعتدالی
- ۱۵- پیش نی شده است

در خارج کتوک به چوبی آویزان است در خار یا شاخه هائی از سدر بعنوان انبار وجود پشت کتوک ممکن است محوطه محصور می آید داشته باشد.

شده داخل زمین کار گذاشته میشوند و دارای هواکش اند و عقب آنها تا یک متر هم ممکن است برسد. این نوع آبادیها بطور کلی فاقد هر نوع ساختمان اجتماعی یا سروسهای عمومی مانند مغازه و غیره میباشد تا سبب بهداشتی مانند حمام و حتی مستراح هم بکلی وجود ندارد فقط گاهی بعضی از آبادیها را که در کنار یکی از مدارس سپاهیان دانش یا درمانگاهی بوجود آمده است میتوان دارای خدمات مذکور بشمار آورد.

ساردوئیه

ایل ساردوئیه ساکن کوهستانهای ساردوئیه و دشت جیرفتند. محل پیدایی این ایل در بخشهای ساردوئیه، دهستان اسفندقه و باب خیرویه است. محل تابستانی این عشایر ثابت است و هر کدام در دهستان مربوط خود اتراق میکنند برای بدست آوردن حق چرا. هر کدام بطور مشاع در دهستان خود مالکند. گویانکه مقدار این مالکیت بسیار کم و حتی گاهی حدود یک چهارم حبه یا کمتر است (هر ۷۲ حبه ۱ دانگ است). این عشایر در محل اتراق زمستانی مشخص نیستند و بسته بوضع مراتع مخصوص هر سال بیک یا چند محل کوچ میکنند و غالباً در هیچ محل حق چرای شناخته شدهای ندارند. گویانکه بعضیها در بیک یا چند نقطه مالک چاه آبد ولی هیچ الزامی ندارد که حتماً به سرچاه خود بروند. این ایل چه در بیلاق و چه در قشلاق در زیر چادر زندگی میکنند. با آنکه چادرهای عشایری را نمیتوان معماری بمعنای اخص دانست ولی مطالعه در مورد آنها برای شناخت انواع معماری های ابتدائی کاملاً ضروری است. ایل ساردوئیه ساکن دشت جیرفت و کوهستانهای ساردوئیه هستند و در اینجا نظری به واحدهای مسکونی آنها میشود.

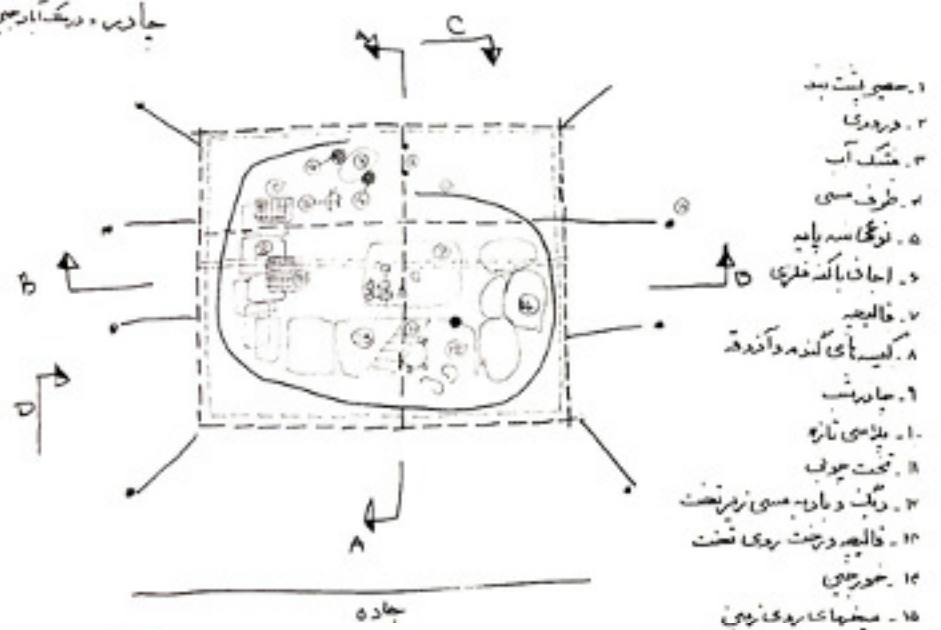
چادر مقربك خانوار است و در واقع هم واحد مسکونی است و هم واحد اقتصادی زیرا تمام کارهای دامداران بجز چرانیدن گوسفندها در داخل یا اطراف چادر انجام میشود. افرادی که در بیک چادر زندگی میکنند اغلب عبارتند از خانوارهای اولیه یعنی زن- شوهر و چند فرزند گاهی نیز بستگان یکی از آنها یا خودشان زندگی میکنند. هر خانوار برای آنکه مستقل باشد باید تشکیل شده باشد از (حداقل) یک زن- یک مرد و یک بچه بالاتر از سه سال. اقتصاد خانوار عشایری دارای چهار قطب است که بترتیب عبارتند از خانه، آغل، مرتع و بازار. کار مرتع و چرانیدن گوسفندان همیشه با بچهها است و خانوارهایی که بچه نداشته باشند مجبور به استخدام چوپان خواهند بود. کار خانه عبارتست از پختن نان و غذا رسیدگی بامور مرغها ساختن مصنوعات دستی و آماده کردن فرآوردههای شیره مانند آن که تمام اینکارها جزء وظائف زنان است. بار



آبادیها معمولاً عبارتند از مجموعه نامرتبی از خانهها که در کنار یکی از درختزار های یا کشتزارهای غنی یا مزارع کوچک دیم اهالی وجود دارد محل این آبادیها به چوجه ثابت نیست و بعالم مختلفی ممکن است به فواصل چند سده متبری و حتی چند کیلو متبری تغییر یابد. این آبادی ها دارای هیچ نوع بافتنی مشخص نیستند خانهها فاقد حیاطاند و بصورت کلبه های منفردی در بیابان کنار یکدیگر قرار دارند و هیچ نوع عات مخصوصی برای محل یا جهت قرار داشتن آنها وجود ندارد (محل هر کدام از ساختمانها).

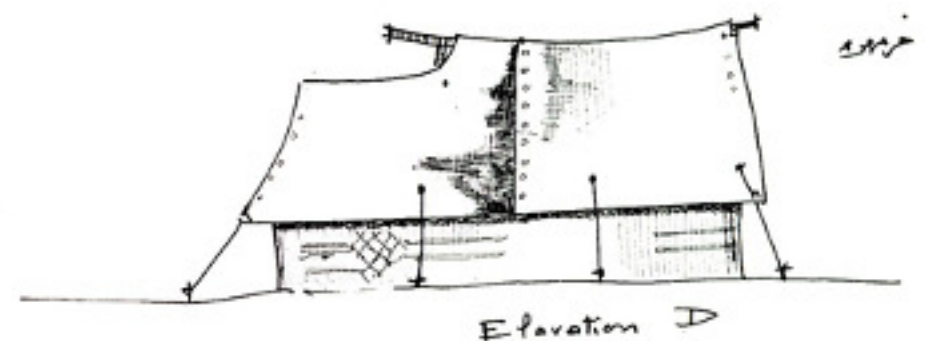
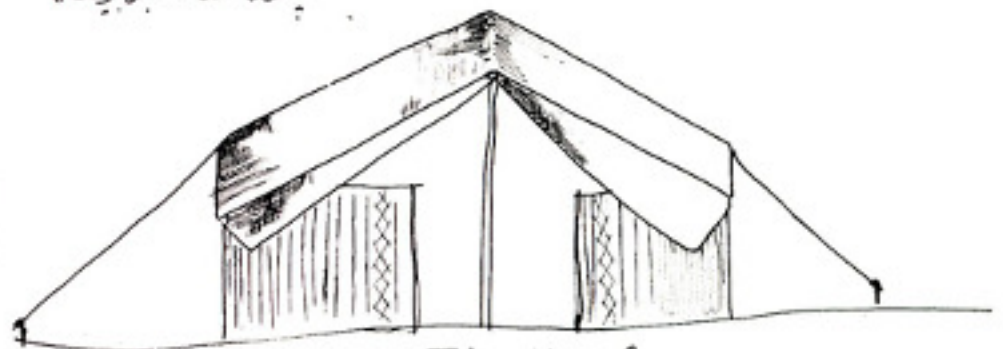
تنور های پختن نان بین چند خانه مشترك است و حتماً در خارج كنوك درهواى آزاد قرار دارد این تنور ها از سفال ساخته

چادر در بیکه آبرجیرفت

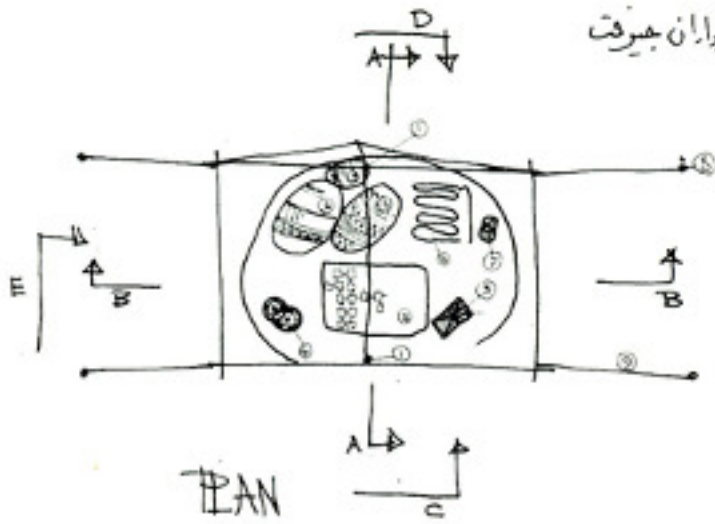


- ۱- صبر پشت بند
- ۲- درودی
- ۳- مشك آب
- ۴- طرف مسی
- ۵- نونخانه پایه
- ۶- اجاق یا کاندنغی
- ۷- قالیچه
- ۸- کبیده ای گندم و آندوقه
- ۹- چادر شب
- ۱۰- ملاهی تازو
- ۱۱- تخت چوبی
- ۱۲- دیگ و باره مسی زیر تخت
- ۱۳- قالیچه و تخت روی تخت
- ۱۴- خورجینی
- ۱۵- پیشبهای سردی زمینی

چادر در بیکه آبرجیرفت



چادر در سبزان چیرفت



- ۱- چوبهای نام
- ۲- تالیم
- ۳- چرخ نخ رسی
- ۴- ظروف مربوط به چای
- ۵- نعلها یا کفشها
- ۶- سقز
- ۷- رنگ بربری
- ۸- منگهای چادر
- ۹- طناب

* شاههای سمرقند حکام بر روی مرده استفاده کردند
 در باستانشناسی این اشیاء در عقب پادشاهان رومی ساخته است
 سنگ آب در نایب چادر است

کردن حیوانات - بسرا ساختن و برچیدن چادرها و نظارت بر کوچک جزء وظایف مرد خانه است. کارهای آغل عبارتند از دوشیدن میشها و چیدن پشم گوسفندان رسیدگی به وضع سلامت دامها و مانند آن که در آن زن و مردخانه مشترک فعالیت میکنند. در حال حاضر ساختمانی برای آغل وجود ندارد و گوسفندان را در هوای آزاد کنار چادرها میخوابانند ولی برای دوشیدن زده هائی از چوب و خار و سدر میسازند و گوسفندان را از میان آنها عبور میدهند. تمام کارهای بازار یعنی خرید و فروش و اصولاً تمام روابط اقتصادی و قضائی و بطور کلی روابط خارجی خانه با مرد خانه است و بطور کلی مرد رئیس و نماینده خانوار بشمار میآید گویانکه از نظر اداره امور داخلی خانواده اختیارات زن و مرد یکی است.

مساله پدر سالاری بمعنای اخص خود دیده نمیشود و مردان جوان بمجرد ازدواج از چادر پدر خود جدا شده کنار چادر او برای خود خانه برپا میکنند ولی تا مدتی تقریباً برابر با ۴ یا ۵ سال از نظر اقتصادی تابع پدرند. پس از آن برای خود استقلال کسب میکنند و اغلب دیده شده است که از گروه پدری جدا شده در اردوی دیگری چادر میزند. با این حال احترام پدر و اصولاً بستگیهای خانوادگی بسیار قوی است و به همین دلیل اغلب ازدواجها با در نظر گرفتن موقعیت والدین شوهر یا زن و از طرف آنها ترتیب داده میشود و بطور مثال یکی از رایجترین راه های آشتی دادن خانواده هائی که قتلی بین آنها اتفاق افتاده است ترتیب ازدواج بین آنها است (خون بست).

اعضای چادر همگی در یک محوطه باهم زندگی میکنند و همه در همان محوطه میخوابند حتی میهمانان احتمالی در همان محل میخوابند. در داخل چادر همیشه یک تنور وجود دارد (برعکس روستائیان این ناحیه که اغلب تنور در خارج از اتاق است) این تنور اغلب فوق العاده ابتدائی است یعنی زمین را حدود ۱۰ سانتی متر گود میکنند و در اطراف آن سه عدد سنگ میچینند و سپس یک تابه وارونه روی آن میگذارند و زیر آن آتش درست کرده نان میپزند یا چائی و غذا آماده میکنند.

مشکهای آب را روی سنگهایی قرار میدهند که در کنار در چادر چیده اند. لوازم زندگی و مواد غذایی در داخل خورجینها و کبسه های گونی و مشکها در داخل چادر قرار دارند. ترتیب قرار دادن اشیاء داخل چادر بر حسب ایلات مختلف متفاوت است. در ساردوئیه دو نوع ترتیب داخلی مشخص بچشم میخورد در یک نوع که اغلب در مورد چادرهای کوچک دیده میشود تمام بارها در یک خط در قسمت عقب چادر چیده شده اند

چادر در سبزان چیرفت



Elevation D



Elevation E



چند نفر از اعضای اردو چادر های خود را باردوی دیگر منتقل کند . بطور کلی در جاهاییکه چراگاههاغنی تر باشند اردوها بزرگتراند . فاصله اردوها از یکدیگر معمولا ۳ تا ۴ کیلومتر است . هر اردو تشکیل شده است از یک یا چند واحد دامپروری که اعضای آن بخوی با یکدیگر شریکند و یا حداقل منافع مشترکی دارند و مجبور بشریک مساعی در موارد خاصی میباشند .

روابط اجتماعی و اقتصادی اعضای اردو بخوبی در سیمای اردو منعکس است باین معنی که همیشه چادر هسته مرکزی یک گروه در وسط قرار دارد و چادر های ماهوارامی در دو طرف آن قرار دارند . و همچنین کسانیکه دارای روابط دوستانه ای باشند چادر های خود را کنار یکدیگر میزنند و آنهائیکه با هم در حال تراغند خانه های خود را در دو انتهای اردو برپا میزنند . ایلات ساردوئیه در محل قتلاقی خود (جیرفت) چنانچه در نزدیکی جاده ای اردوی خود را بپاکنند در دوردیف (دوطرف جاده) پشت بجاده چادر میزنند در غیر اینصورت در کنار سراسیمبی تندی در یک ردیف چادر میزنند و مدخل چادر را بطرف سرازیری قرار میدهند . بهر حال آفتاب و باد در تعیین جهت چادر ها و جهت کلی اردو زیاد موثر بنظر نمیروند .

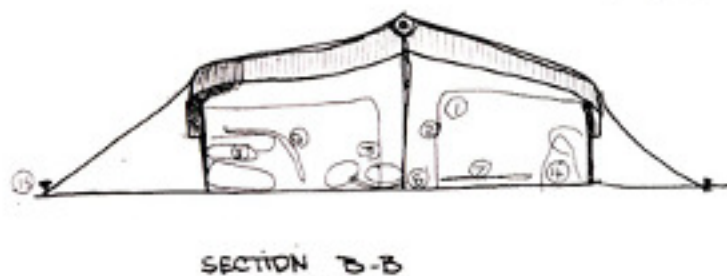
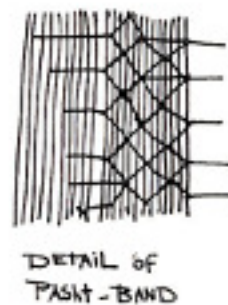
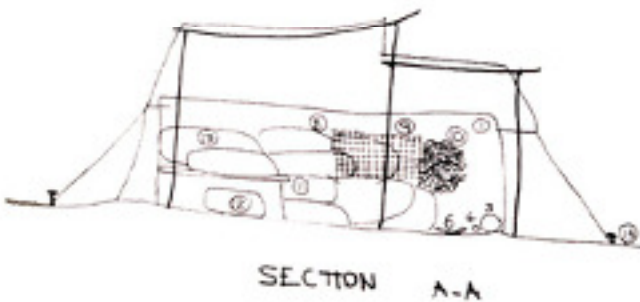
و قسمت جلوی چادر برای زندگی کردن یا خوابیدن خالی گذاشته شده است که فرش یا حصیری در آن پهن شده است . در نوع دوم که بیشتر در مورد چادر های بزرگتر وجود دارد اشیاء در اطراف چادر چیده شده است و رختخوابها غالبا روبروی ورودی قرار دارند . مشکهای دوغ و کره همیشه در خارج چادر کنار در ورودی از یک سه پایه آویزان است محل نگهداری مرغها در داخل چادر است و بقیه چهارپایان باربر را پشت چادرها میبندند .

چادر ساردوئیه دارای پلان مستطیل شکل است و سقف مثلثی از یک یا چند قطعه پلاس تیره رنگ بافته شده از موی بز که موازی یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است . یک ردیف پایه چوبی در وسط قرار دارد و در دو طرف دوردیف پایه کوتاه با ارتفاع تقریبی ۱٫۵ متر وجود دارد . چادر بوسیله طناب یا زنجیر بزمن متصل شده است . اطراف چادر حصیری است که به پایه های چوبی تکیه دارد و اشیاء داخلی چادر در کنار آن چیده شده اند . قطعات پلاس با تکه های چوب و یا خر مهره یکدیگر متصلند . در اینجا باید متذکر شد که با اینکه شکل چادرها و طرز چیدن اشیاء داخل آن کاملا مشخص است و از دو سه فرمول کلی تبعیت مینماید ولی این فرمولها صرفا جنبه اجرایی دارند و دارای اهمیت مذهبی و یا مربوط به اعتقادات دیگری نیستند و عملا دیده شده است که عشایر انعطاف زیادی در این مورد بخرج میدهند و حاضر بقبول هر نوع تغییری در مورد شکل خانه و بهبود وسائل زندگی خود هستند بشرط آنکه با نوع اقتصاد کوچ نشینی و همچنین عادات و روشهای پسروی آنان (در مورد رفتار روزمره) وفق دهند . نگارنده مواردی را دیده است که بجای چادرهای مخصوص بخود از چادرهای برزتی آماده استفاده شده است .

چادر « درمک آباد جیرفت »

اردو

اجتماع چند چادر کنار یکدیگر و کوچ و اتراق آنان با هم دارای علل مختلفی است که در عرض سال تغییر میکند مانند وسعت چراگاههای زمستانی و تابستانی . مقدار گوسفندان و نیروی انسانی دامداران روابط فردی دوستی و دشمنی افراد با یکدیگر . بهمین دلیل هم اندازه و سیمای اردوهای عشایری دائما در حال تغییر است . تعداد چادر های یک اردو ممکن است از ۳ تا ۴۰ چادر تغییر کند و فاصله چادرها از یکدیگر بین ده تا هفتاد متر متغیر است . با اینحال ارتباط افراد اردو با یکدیگر خیلی زیاد است آنها خود را همسایگان یکدیگر میدانند گویانکه هیچکدام خود را مقید بحفظ این همسایگی نمیبینند و اردوها ممکن است به کوچکترین بهانه ای از هم بپاشند و بایک یا





۱ و ۲: نمونه چادرهای منطقه جیرفت

